



پنجره باز مذاکره

روایت‌های محسن هاشمی
و محمد عطریان‌فر از مسیر
گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا

مقصر تراشی!

چرا مخالفان دولت تلاش می‌کنند
با روایت کذب، رئیس‌جمهور را
مسئول بحران‌های اقتصادی نشان دهند؟

آینده حکمرانی ایران

علی محمد حاضری، جامعه‌شناس
و دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها
به ارائه راهکارهایی برای بازتعریف
مسیر توسعه در ایران پرداخت

یادداشت روز

سرکوب دموکرات‌های تونس

درباره حبس ابد و ۳۰ سال زندان
برای راشد الغنوشی در سکوت خبری

عمادالدین باقی

جامعه‌شناس
و پژوهشگر حقوق بشر

یک بار در ۲۳ آوریل ۲۰۲۳ نسبت به بازداشت راشد الغنوشی، اعتراض کردم اما اینکه دل‌مشغولی‌های فراوان در داخل کشور و یا رخداد‌های غزه، مانع توجه و تمرکز بر ستمی می‌شد که به او و امثال او در دیگر نقاط جهان می‌رود، موجب عذاب وجدان بود تا اینکه پس از چندسال حبس، چند روز پیش، تلویزیون الجزیره به نقل از خبرگزاری رسمی تونس، (تونس افریک پریس) خبر شوک‌آور محکومیت سنگین او را اعلام کرد و نوشت: در ۳ ژوئن ۲۰۲۶ دادگاهی در تونس، راشد الغنوشی، رهبر حزب النهضة و رئیس سابق پارلمان را به حبس ابد به علاوه ۳۰ سال زندان محکوم کرد. رهبر مخالفان و ده‌ها متهم دیگر در پرونده موسوم به «دستگاه مخفی» مربوط به حزب النهضة به جرم «تشکیل ائتلاف تروریستی» به حبس‌های طولانی محکوم شدند. ۱۱ متهم دیگر از جمله علی العریض، مشاور نخست‌وزیر سابق تونس، علاوه بر حبس تا ۹۶ سال به حبس ابد نیز محکوم شدند. به گزارش این خبرگزاری ۱۳ نفر دیگر نیز به حبس‌هایی بین ۱۰ تا ۴۸ سال محکوم شدند. به گزارش تونس افریک، دادگاه، الغنوشی و سایر متهمان را به جرم «تشکیل یک اتحاد تروریستی» و سایر جرایم از جمله «قرار دادن مهارت‌ها و تخصص در اختیار یک اتحاد تروریستی و افراد مرتبط با جرایم تروریستی» مجرم شناخت.

در اوایل سال ۲۰۲۲ پس از شکایت دفتر دادستانی عمومی و وکلای خانواده‌های سیاستمداران چپ‌گرا، شکری بلعید و محمد برامی، منتقدان سرسخت النهضة که در سال ۲۰۱۳ ترور شدند، پرونده علیه الغنوشی و دیگر متهمان گشوده شد. وکلای خانواده‌های بلعید و برامی آنچه که «دستگاه مخفی» النهضة می‌نامیدند را به دست داشتن در ترورها و «جاسوسی و نفوذ در نهادهای دولتی» متهم کردند. در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۲۳ نیروهای امنیتی خانه الغنوشی (۸۴ ساله) که یک گردهمایی به مناسبت ماه رمضان در آن برگزار شده بود را مورد هجوم قرار داده و وی را بازداشت کردند سپس دادگاه بدوی، حکم به زندانی کردن او به اتهام «اظهار نظرهایی که به شورش و بی‌نظمی دامن می‌زند» صادر کرد. النهضة اتهامات مطرح شده را قاطعانه رد و آنها را تهمتی «با انگیزه سیاسی» توصیف کرد. دفتر دادستانی عمومی که ابتدا این پرونده را در دست داشت در سال ۲۰۲۳ آن را به واحد مبارزه با تروریسم قضایی تحویل داد که روندی کاملاً بسته و غیرقانونی را دنبال کند. برای او ۱۲ پرونده تشکیل دادند.

در ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ دادگاه تونس حکم به زندان ۲۰ ساله برای الغنوشی و سه نفر دیگر از اعضای برجسته حزب «النهضة» داد که به پرونده‌های به‌نام «مسمار رمضان» مربوط می‌شود.

الغنوشی در پرونده‌های دیگری نیز محکوم به زندان شده است؛ در تاریخ ۲ فوریه ۲۰۲۳ دادگاه تجدیدنظر در پایتخت، حکم اولیه را در مورد او افزایش داد و حکم ۱۴ سال حبس را به ۲۰ سال در پرونده‌ای به‌نام «توطئه علیه امنیت ملی ۲» تغییر داد. در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳ دادگاه ابتدایی حکم به سه سال زندان برای الغنوشی در پرونده «تمویل خارجی» صادر کرد. در نیمه نوامبر ۲۰۲۵ دادگاه ابتدایی برای او حکم دو سال زندان به دلیل اهدا کردن جایزه بین‌المللی خود را در سال ۲۰۱۶ به انجمن هلال‌احمر صادر کرد. در آوریل ۲۰۲۵ (اواخر فروردین ۱۴۰۵)، النهضة و جبهه نجات ملی، اعلام کردند که الغنوشی پس از وخامت شدید سلامتی‌اش از زندان به بیمارستان منتقل شده و خواستار آزادی فوری او شد. یک حزب مخالف دیگر به‌نام جبهه نجات ملی نیز با اشاره به وخامت سلامتی الغنوشی، خواستار آزادی او شد.

| ادامه در صفحه ۸

حمله
به توافق

در روزهایی که ایران و آمریکا به تفاهم نزدیک شده بودند، اسرائیل به سیاق گذشته، درصدد برهم زدن آن برآمد و با زیرپا گذاشتن مفاد آتش‌بس میان ایران و آمریکا، حملات گسترده و خونینی را در لبنان آغاز کرد تا ایران را وادار به پاسخ نظامی کند و توافق را غیرممکن سازد آیا نتایج‌ها توانست به خواست خود برسد؟ سازندگی به این موضوع پرداخته است

ابوالفضل خدایی



گروه بین‌الملل

درحالی که فضای سیاسی منطقه در روزهای اخیر تحت‌تأثیر پیشرفت مذاکرات میان ایران و آمریکا قرار گرفته بود و تلاش‌های میانجی‌گرانه

برخی کشورهای منطقه از جمله پاکستان برای نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف ادامه داشت، تحولات ناگهانی در جبهه لبنان، بار دیگر تنش‌ها را به اوج رساند. هم‌زمان با سفر سیدمحسن تقوی، وزیر کشور پاکستان به تهران و انتقال پیام مهم نخست‌وزیر این کشور برای رهبر انقلاب، اسرائیل با گسترش حملات خود به لبنان و حومه جنوبی بیروت، آتش یک رویارویی جدید را در منطقه شعله‌ور کرد؛ اقدامی که بسیاری آن را تلاشی برای برهم زدن روند دیپلماسی و جلوگیری از نزدیک شدن تهران و واشنگتن به یک توافق احتمالی ارزیابی می‌کنند.

بحران زمانی وارد مرحله تازه‌ای شد که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به ارتش این رژیم مجوز داد تا بار دیگر مناطق جنوبی بیروت را هدف حملات قرار دهد. ایران پیش از اجرای این عملیات هشدار داده بود که در صورت حمله مجدد به لبنان، پاسخ متقابلی علیه شمال اسرائیل خواهد داد. با این حال حملات اسرائیل نه تنها متوقف نشد بلکه با شدت بیشتری ادامه یافت و در نهایت تهران نیز به هشدارهای خود جامه عمل پوشاند.

براساس گزارش‌های منتشرشده، ایران در پاسخ به این حملات، مجموعه‌ای از موشک‌های عماد، قدر اف و خیبرشکن را به سمت اهدافی در سرزمین‌های اشغالی شلیک کرد. این اقدام با واکنش مقامات ارشد جمهوری اسلامی همراه بود. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، پیش از حملات ایران هشدار داد که طرف مقابل نه به آتش‌بس پایبند است و نه به گفت‌وگو اعتقاد دارد و با نقض توافقات مربوط به لبنان و محاصره دریایی نشان داده که تنها زبان قدرت را می‌فهمد.

| ادامه در صفحه ۳

گزارش

هم میدان، هم مذاکره

رئیس جمهور اعلام کرد:

میدان و مذاکره را توأمان پیش می‌بریم

گروه سیاسی: در پی حملات بامداد دوشنبه رژیم صهیونیستی به کشور، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در پیامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اولویت ما امنیت ملی و آرامش مردم است. با اقتدار از حقوق ملت دفاع می‌کنیم و در برابر هیچ تهدیدی عقب‌نشینی نخواهیم کرد. دیپلماسی و دفاع دو بال قدرت ملی‌اند؛ نه میدان را ترک کرده‌ایم و نه میز مذاکره را. به امید خدا با وحدت و عقلایت ایران از این آزمون نیز سربلند عبور خواهد کرد».

در ساعات پایانی یکشنبه شب، فضای سیاسی و امنیتی کشور درحالی وارد مرحله‌ای حساس شد که مقامات ارشد و فرماندهان نظامی نسبت به تحولات منطقه‌ای و اقدامات رژیم صهیونیستی، هشدارهایی جدی را مطرح کرده بودند؛ هشدارهایی که کمتر از چند ساعت بعد با وقوع حملات بامدادی اسرائیل به خاک ایران، معنای عملی پیدا کرد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، یکشنبه شب تأکید کرد که محاصره دریایی و اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آن، وضعیت را به نقطه‌ای خطرناک رسانده است و در صورت ادامه این روند، پایگاه‌ها و دارایی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه، اهداف مشروع تلقی خواهند شد. او همچنین تأکید کرد که نیروهای مسلح ایران در حالت آمادگی کامل قرار دارند.

در همان بازه زمانی، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه نیز در پیامی با تمرکز بر مفهوم محور مقاومت اظهار کرد که مقاومت لبنان و ایران دارای پیوندی عمیق و راهبردی هستند. او افزود که رژیم صهیونیستی به دنبال گسترش تجاوز و تغییر معادلات منطقه‌ای است و تأکید کرد که ایران در کنار مقاومت منطقه‌ای ایستاده و این پیوند را «پیوند خون و آرمان» توصیف کرد. چند ساعت پس از این اظهارات، رژیم صهیونیستی حملاتی را در ساعات اولیه بامداد دوشنبه به کشور آغاز کرد. بر اساس اطلاعیه رسمی سپاه پاسداران، رژیم صهیونیستی در این حملات از موشک‌های بالستیک هوایرتاب برای هدف قرار دادن نقاطی در خاک ایران استفاده کرده است. همچنین سخنگوی جمعیت هلال احمر اعلام کرده که این حملات در مجموع ۱۲ نقطه از کشور را در بر گرفته و از حدود ساعت ۴ صبح آغاز شده است. به گفته او، حملات تروریستی دشمن تاکنون هیچ مصدومی (شهید یا مجروح) نداشته و نیروهای امدادی و عملیاتی در سراسر کشور در حالت آمادگی کامل قرار دارند.

گرچه در گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های رسمی جزئیات مربوط به شهرها و نقاط هدف قرار گرفته در تجاوز نظامی اسرائیل به‌صورت پراکنده و نقطه‌ای اعلام شده اما با جمع‌بندی خبرها می‌توان گفت، حملات در چند محور شهری و منطقه‌ای متمرکز بوده است. بر این اساس علاوه بر حمله به بخشی از مجتمع پتروشیمی کارون در ماهشهر خوزستان، در تهران و مناطق اطراف نیز برخی اهداف حساس و نقاط با ماهیت نظامی هدف قرار گرفته‌اند. در کرج، رسانه‌ها از هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های مرتبط با حوزه پشتیبانی و صنایع گسترش داده‌اند. در اصفهان نیز به مراکز صنعتی و زیرساخت‌های مرتبط با حوزه‌های دفاعی اشاره شده است. تیریز نیز به‌عنوان یکی از نقاط شمال‌غرب کشور با کارکردهای لجستیکی و نظامی در گزارش‌ها ذکر شده و کرمانشاه در زمره مناطق هدف در عمق غرب کشور و با نقش پشتیبانی عملیاتی عنوان شده است.

در ادامه این تحولات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، مجموعه‌ای از عملیات‌های متقابل را در پاسخ به حملات بامدادی همچنین هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های پتروشیمی ایران علیه اهدافی در سرزمین‌های اشغالی انجام دادند. سپاه همچنین هشدار داده که در صورت ادامه حملات، زیرساخت‌های انرژی در کل منطقه در دایره پاسخ قرار می‌گیرد.

در همین چارچوب اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در نشست خبری هفتگی خود با اشاره به این تحولات تأکید کرد که «اتفاقات اخیر به وضعیت نابسامان در فرآیند دیپلماتیک دامن خواهد زد». او حملات رژیم صهیونیستی به ایران و لبنان را در هماهنگی و با حمایت آمریکا دانست و با اشاره به نقش سنتنکار در هماهنگی‌های نظامی، مسئولیت آمریکا را در هرگونه تشدید تنش «محرز و مستقیم» توصیف کرد و هشدار داد، پیامدهای ادامه بحران متوجه آمریکا خواهد بود. او همچنین با انتقاد از روند مذاکرات و فضای دیپلماتیک موجود، تصریح کرد که این تحولات موجب افزایش سوءظن‌ها و بدگمانی‌ها در روابط ایران و آمریکا شده و هرگونه اقدام نظامی جدید، روند دیپلماسی را بیش از پیش تضعیف می‌کند. به گفته او، «دیپلماسی و میدان هم‌عرض هستند» و ایران هم‌زمان از مسیر سیاسی و نظامی برای تأمین منافع ملی استفاده می‌کند. بقایی تأکید کرد، ایران در برابر ادامه تجاوزات رژیم صهیونیستی محدودیتی برای اقدام قائل نیست و تا هر سطحی که منافع و امنیت ملی اقتضا کند، پاسخ خواهد داد.

آینده حکمرانی ایران

علی محمد حاضری، جامعه‌شناس و دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها به ارائه راهکارهایی برای بازتعریف مسیر توسعه در ایران پرداخت

گروه سیاسی: علی محمد حاضری، جامعه‌شناس و دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، در گفت‌وگو با ایسنا، با تمرکز بر اندیشه امام خمینی (ره) و تجربه جمهوری اسلامی در پنج دهه گذشته تلاش می‌کند، تصویری انتقادی-تحلیلی از مسیر طی شده ارائه دهد. محور اصلی روایت او «نقش مردم» به‌عنوان موتور تحول اجتماعی، معیار مشروعیت سیاسی و عامل اصلی موفقیت در انقلاب، جنگ و بازسازی است. او در کنار این محور بر ضرورت بازگشت نخبگان و احیای سرمایه اجتماعی، اصلاح ساختار حکمرانی و بازتعریف سیاست خارجی تأکید می‌کند و معتقد است، آینده کشور در گرو احیای مشارکت اجتماعی و دیپلماسی فعال است.

مردم به‌مثابه موتور تحول اجتماعی؛ از انقلاب تا جنگ

حاضری در آغاز گفت‌وگو، مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی را «تحرك اجتماعی گسترده و كشف استعدادهاي پنهان در لایه‌های مختلف جامعه» می‌داند. به باور او، انقلاب ساختاری ایجاد کرد که در آن، افراد نه براساس پیوندهای طبقاتی یا شبکه‌های قدرت بلکه بر مبنای توانایی‌های واقعی خود وارد عرصه مدیریت و اثرگذاری شدند. او توضیح می‌دهد که در نظام‌های سیاسی پایدار معمولاً بازتولید نخبگان در درون طبقات بالای اجتماعی رخ می‌دهد؛ اما انقلاب این چرخه را شکست و امکان ظهور نیروهای جدید از محلات، روستاها و طبقات پایین جامعه را فراهم کرد. به اعتقاد او، این فرآیند نوعی «شایسته‌سالاری مبتنی بر میدان عمل» بود که در آن، توانمندی افراد در تجربه واقعی اجتماعی و سیاسی سنجیده می‌شد.

در توضیح این روند، حاضری به چهره‌هایی اشاره می‌کند که از دل همین ساختار اجتماعی رشد کردند و به سطح بالای مدیریتی و نظامی رسیدند؛ ازجمله سردار شهید قاسم سلیمانی که او را نمونه‌ای روشن از این مسیر می‌داند. از نگاه او، این افراد بدون تکیه بر موقعیت‌های سنتی قدرت صرفاً با اتکا به توانمندی و تجربه عملی خود به جایگاه‌های اثرگذار رسیدند. به باور او، جنگ تحمیلی این الگو را برجسته‌تر کرد. در دوران جنگ، نیروهای داوطلب مردمی بسیجی، نقش اصلی را در مقاومت ایفا کردند و ساختار رسمی نظامی نقش پشتیبان داشت. او تأکید می‌کند که هر زمان ظرفیت مردمی فعال شد، هم کارآمدی تصمیم‌گیری افزایش یافت و هم انسجام اجتماعی تقویت شد. از این منظر، سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در آن دوره همچنان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی ایران است هرچند در دوره‌هایی دچار فرسایش شده است.

عقلانیت دینی و نقش جامعه در تصمیم‌سازی

حاضری در بخش دیگری از گفت‌وگو، اندیشه امام خمینی را بر پایه

حزب

پنجره باز مذاکره

روایت‌های محسن هاشمی و محمد عطریان‌فر از مسیر گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا

گروه سیاسی: دو عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در اظهاراتی جداگانه ضمن حمایت از تداوم مسیر مذاکرات بر ضرورت استفاده از دیپلماسی برای کاهش هزینه‌های کشور و حرکت به سمت توافقی پایدار تأکید کردند. محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، از وجود اجماع گسترده در ساختار سیاسی کشور درباره اصل مذاکره گفت و محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل این حزب نیز با تأکید بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و اعتماد متقابل، چشم‌انداز مذاکرات را «محتاطانه مثبت» ارزیابی کرد.

محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفت‌وگو با عصر ایران درباره شرایط پس از جنگ و روند مذاکرات با اشاره به یادداشت خود با عنوان «پس از گاو خشمگین؛ عقل سلیم» تأکید کرد که در شرایط فعلی باید با تکیه بر عقلانیت سیاسی راهی برای جلوگیری از وارد آمدن خسارت‌های بیشتر به کشور پیدا کرد. او با استفاده از تمثیل «گاو خشمگین در اتاق» توضیح داد که ادامه وضعیت موجود می‌تواند، خسارت‌های بیشتری به کشور وارد کند بنابراین یافتن راه‌حلی سیاسی برای خروج از بحران ضروری است. هاشمی با اشاره به اینکه آمریکا به اهداف مورد نظر خود، ازجمله تغییر نظام سیاسی در ایران، دست پیدا نکرده است، گفت طرف مقابل نیز اکنون برای خروج از وضعیت موجود به‌دنبال راه‌حلی سیاسی است. او تأکید کرد، حمایت از مذاکره به‌معنای امتیازدهی به آمریکا نیست بلکه هدف آن جلوگیری از تحمیل هزینه‌ها و خسارت‌های بیشتر به ایران است.

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران همچنین

«اجتهاد متناسب با زمان و مکان» تحلیل می‌کند. او معتقد است، امام با نگاه ایستا و غیرتاریخی به دین مخالف بود و باور داشت، اداره جامعه مدرن را نمی‌توان با نسخه‌های ثابت گذشته پیش برد. به گفته او، امام تأکید داشت که باید از اصول دینی، راحل‌هایی متناسب با شرایط جدید استخراج شود. این نگاه به تعبیر حاضری، نوعی عقلانیت در حکمرانی دینی ایجاد می‌کند که در آن «مصالح عمومی جامعه» بر برداشت‌های سنتی و اولیه مقدم است. او دو مفهوم «مردم» و «وحدت کلمه» را از ستون‌های اصلی اندیشه امام می‌داند. در این چارچوب، مردم صرفاً توده‌ای منفعل نیستند بلکه مرجع اصلی تشخیص اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. به باور او، امام به انتخاب عمومی جامعه اعتماد داشت و آن را قابل اتکا می‌دانست. حاضری هشدار می‌دهد که فاصله گرفتن از این مبانی به‌تدریج به تمرکزگرایی، کاهش مشارکت اجتماعی و تضعیف انسجام ملی منجر شده است. از نظر او در برخی سال‌های اخیر، برداشت‌هایی محدود از «مردم» شکل گرفته که تنها بخشی خاص



از جامعه را نماینده کل جامعه تلقی می‌کند؛ درحالی که در نگاه امام، کل جامعه موضوع توجه و اعتماد است.

راهکارهای اصلاحی در دهه پنجم انقلاب؛ بازتعریف حکمرانی بر محور مشارکت

حاضری در ادامه با تأکید بر ضرورت بازنگری در شیوه حکمرانی در دهه پنجم انقلاب، مجموعه‌ای از پیشنهادها ساختاری، اجتماعی و سیاسی را مطرح کرد که بزعم او می‌تواند، ظرفیت‌های مغفول کشور را فعال کند.

نخستین محور، «گسترش مشارکت نخبگان و پایان دادن به روندهای حذف» است. او یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز کشور را کاهش

بهره‌گیری از سرمایه انسانی می‌داند و می‌گوید که بخش قابل‌توجهی از نخبگان با مهاجرت کرده‌اند یا در داخل کشور به حاشیه رانده شده‌اند. به باور او، این وضعیت به کاهش توان تولید فکر و افت کارآمدی نظام تصمیم‌گیری منجر شده است. حاضری تأکید می‌کند که بدون بازتعریف رابطه حاکمیت با نخبگان و پایان دادن به روندهای حذف، امکان توسعه پایدار وجود ندارد. بنابراین کشور باید از ظرفیت تمام نیروهای متخصص، فارغ از گرایش‌های سیاسی، استفاده کند.

دومین محور، «تعامل سازنده و هوشمندانه با جهان و فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی» است. حاضری بر اهمیت تعامل سازنده با جهان تأکید می‌کند و معتقد است، استقلال سیاسی به معنای انزوا نیست. کشورها می‌توانند بدون وابستگی از طریق دیپلماسی فعال به منابع، فناوری و سرمایه دسترسی پیدا کنند. به گفته او، سیاست خارجی باید در خدمت توسعه داخلی باشد. حاضری معتقد است که محدود شدن مسیرهای دیپلماتیک عملاً به کاهش ظرفیت‌های اقتصادی کشور منجر می‌شود و تأکید می‌کند که اقتصاد ایران به شدت به نوع روابط خارجی وابسته است و نمی‌توان آن را جدا از سیاست خارجی تحلیل کرد.

سومین محور، «تقویت اجماع ملی و بازتعریف مفهوم مردم» است. از نگاه دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، تجربه جنگ نشان داد که اکثریت جامعه، حتی با اختلاف‌نظرهای سیاسی، در نهایت در چارچوب منافع ملی عمل می‌کنند. بنابراین تکیه بر اقلیت‌های محدود و نادیده گرفتن اکثریت اجتماعی به کاهش انسجام ملی منجر می‌شود. او پیشنهاد می‌کند که «مردم» به‌عنوان یک کل واحد اجتماعی در سیاستگذاری دیده شوند و نه به‌عنوان گروه‌های محدود و گزینشی.

چهارمین محور، «آزادی رسانه‌ها و گسترش فضای گفت‌وگو در جامعه» است. حاضری تأکید می‌کند که بدون رسانه‌های آزاد و فضای گفت‌وگوی واقعی امکان اصلاح سیاست‌ها وجود ندارد. او معتقد است همه گروه‌ها باید در چارچوب منافع ملی امکان بیان دیدگاه داشته باشند. پنجمین محور، «اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری و کاهش تنگ‌نظری نهادی» است. این جامعه‌شناس، اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری و کاهش تنگ‌نظری نهادی را شرط لازم برای استفاده از ظرفیت‌های کشور می‌داند. از نظر او، نظام حکمرانی باید از حالت بسته خارج شود تا امکان مشارکت گسترده اجتماعی فراهم شود.

در نگاه حاضری، آینده حکمرانی در ایران به میزان بازگشت به سه محور اصلی بستگی دارد: «مشارکت واقعی مردم»، «استفاده از ظرفیت نخبگان» و «تعامل فعال با جهان». او معتقد است تجربه انقلاب، جنگ و بازسازی نشان داده هر زمان این سه عنصر هم‌زمان فعال بوده‌اند، کشور در مسیر موفقیت حرکت کرده است. از این منظر نیز دهه پنجم انقلاب می‌تواند با بازتعریف این اصول به مرحله‌ای از اصلاح و کارآمدی جدید در حکمرانی برسد.

هرگونه توافق تأکید کرد. او گفت، مذاکره موفق میان ایران و آمریکا صرفاً یک فرآیند سیاسی معمولی نیست و برای دستیابی به نتایج پایدار، شکل‌گیری اعتماد متقابل، اراده سیاسی و تضمین‌های اجرایی از سوی دو طرف ضروری است.

عطریان‌فر با اشاره به تجربه‌های گذشته اظهار کرد که نبود چنین زیرساخت‌هایی باعث شده برخی توافقات در مرحله اجرا با مشکلات جدی و بی‌ثباتی مواجه شوند. به گفته او، تحولات اخیر و افزایش آگاهی دو طرف نسبت به هزینه‌های رویارویی مستقیم، زمینه‌هایی برای درک مشترک و جمع‌بندی‌های اولیه در برخی موضوعات ایجاد کرده است. با این حال معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی تأکید کرد که هنوز اختلاف‌های مهمی در حوزه‌های امنیتی، منطقه‌ای، اقتصادی همچنین موضوع تضمین تعهدات وجود دارد و نباید شرایط کنونی را به‌معنای حل‌وفصل کامل اختلافات دانست. او معتقد است چشم‌انداز مذاکرات نه در قالب یک توافق سریع و فراگیر بلکه در چارچوب روندی تدریجی، مرحله‌بندی شده و مبتنی بر اقدامات متقابل قابل ارزیابی است.

عطریان‌فر در پایان با بیان اینکه «پنجره دیپلماسی همچنان باز است» گفت، موفقیت مذاکرات منوط به آن است که تهران و واشنگتن از رویکردهای صرفاً تاکتیکی عبور کرده و به سمت ایجاد سازوکارهای پایدار و قابل اعتماد حرکت کنند. به اعتقاد او با وجود موانع موجود می‌توان چشم‌انداز مذاکرات را «محتاطانه مثبت» توصیف کرد؛ ارزیابی‌ای که نه از دشواری‌ها غافل است و نه فرصت‌های ایجاد شده را نادیده می‌گیرد.



هاشمی همچنین با رد وجود مخالفت جدی با اصل مذاکره در ساختار سیاسی کشور گفت: «هیچ‌کس در کشور مخالف اصل مذاکره نیست» و افزود که امروز می‌توان از نوعی اجماع در این زمینه سخن گفت. به گفته او بیش از ۹۰ درصد مجموعه حاکمیت و نیروهای سیاسی درباره اصل مذاکره هم‌نظر هستند و اختلاف‌ها بیشتر به چگونگی تأمین منافع ملی و دریافت تضمین‌های لازم بازمی‌گردد. او همچنین بر ضرورت اطلاع‌رسانی بهتر مسئولان برای کاهش نگرانی‌های موجود در فضای سیاسی تأکید کرد.

محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران نیز در گفت‌وگو با چندثابته با ارزیابی فضای مذاکراتی تهران و واشنگتن بر اهمیت ایجاد زیرساخت‌های سیاسی برای موفقیت



آتش آژانس

انتقاد گروسی از شکاف ایران و آژانس

گروه بین‌الملل: نشست فصلی شورای حکام روز دوشنبه آغاز شد. طبق اطلاعیه‌ای که در وبگاه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر شده است، این نشست از ۸ تا ۱۲ ژوئن (۱۸ تا ۲۲ خرداد) برگزار خواهد شد و شامل موضوعاتی از جمله، «گزارش سالانه ۲۰۲۵؛ تقویت فعالیت‌های همکاری فنی آژانس؛ گزارش همکاری فنی در ۲۰۲۵؛ گزارش کمیته برنامه و بودجه؛ گزارش اجرای پادمان‌ها در ۲۰۲۵؛ اجرای پادمان‌ها در جمهوری خلق کره؛ اجرای توافق پادمانی منع گسترش تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) در جمهوری عربی سوریه؛ اجرای توافق پادمانی ان‌پی‌تی و مقررات مرتبط با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در ایران؛ ایمنی و امنیت هسته‌ای و پادمان‌ها در اوکراین؛ انتقال مواد هسته‌ای در چارچوب توافق آکوس و تمام جنبه‌های پادمانی آن ذیل ان‌پی‌تی؛ تعیین اعضا برای خدمت در شورای حکام در سال ۲۰۲۶-۲۰۲۷؛ نمایندگی سایر سازمان‌ها در هفتادمین نشست معمول کنفرانس عمومی» است.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست خبری مدعی شد که آژانس به دلیل دسترسی نداشتن تقریباً یک ساله به تأسیسات اتمی اصلی ایران در فعالیت‌های خود با شکاف مواجه است. او گفت: اکنون آنچه اهمیت دارد

ادامه تیتربک

حمله به توافق

همزمان، سردار سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در پیامی کوتاه اما معنادار نوشت: «الوعده وفا». ابراهیم ذوالفقاری، سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء نیز اعلام کرد که در موج جدید عملیات علیه اهداف حساس در سرزمین‌های اشغالی، دشمن ضربات سنگین، هوشمندانه و خسارت‌باری را دریافت کرده است.

وی تأکید کرد که آمریکا و اسرائیل باید بدانند، جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مقاومت در منطقه تحت هر شرایطی در برابر تهدیدها ایستادگی خواهند کرد و در صورت تداوم اقدامات خصمانه، پاسخ‌های شدیدتری در راه خواهد بود.

در همین حال، حساب کاربری سازمان اطلاعات سپاه پاسداران نیز با انتشار پیامی از موفقیت کامل عملیات شب گذشته (یکشنبه‌شب) خبر داد و نوشت: «۱۰۰ شب مقاومت، ۱۰۰ سال امنیت». سپاه پاسداران همچنین اعلام کرد که در پاسخ به حمله دشمن به یکی از صنایع پتروشیمی ایران، رزمندگان نیروی هوافضا تأسیسات مشابهی را در حیفا هدف حملات موشکی قرار داده‌اند. انصارالله یمن نیز روز دوشنبه از حمله موشکی به اسرائیل خبر دادند و ممنوعیت کشتیرانی اسرائیل در دریای سرخ را اعلام کردند که این امر احتمال بازگشت اختلال عمده در این مسیر کلیدی را افزایش می‌دهد.

در سوی مقابل، ارتش اسرائیل نیز تأیید کرد که جنگنده‌های این رژیم مواضع نظامی ایران در غرب و مرکز کشور را مورد حمله قرار داده‌اند. منابع اسرائیلی و بین‌المللی گزارش دادند که ایران طی سه موج حمله موشکی، اهدافی را در داخل اسرائیل هدف قرار داده است. مقام‌های اسرائیلی مدعی شدند، سامانه‌های پدافندی بخش عمده موشک‌ها را رهگیری کرده‌اند اما به‌صدا درآمدن آذیرهای هشدار در مناطق مختلف و اختلال در فعالیت فرودگاه‌ها و حمل‌ونقل هوایی نشان‌دهنده ابعاد این حملات بود. برخی رسانه‌ها تعداد موشک‌های شلیک شده را ۱۱ فروند اعلام کرده‌اند.

ساعاتی پس از حملات موشکی ایران، جنگنده‌های اسرائیلی عملیاتی را علیه اهدافی در داخل ایران آغاز کردند. گزارش‌ها از وقوع انفجارهایی در تهران، تبریز، کرج، اصفهان و برخی مناطق غربی کشور حکایت داشت. برخی رسانه‌های اسرائیلی نیز از حمله به تأسیسات سوختی و پتروشیمی خبر دادند هرچند میزان خسارات و جزئیات این حملات هنوز به‌طور مستقل تأیید نشده است.

با اوج گرفتن درگیری‌ها، نگاه‌ها به واشنگتن دوخته شد. دونالد ترامپ که طی هفته‌های اخیر تلاش کرده بود، مذاکرات میان تهران و واشنگتن را از بن‌بست خارج کند پس از آغاز تبادل آتش میان دو طرف خواستار توقف فوری حملات شد. گزارش‌ها حاکی است که وی در تماس تلفنی با بنیامین نتانیاهو خواستار

احراز این است که ایران درحال پایبندی کامل به تعهدات خود ذیل پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی است چراکه این روش اثبات و تأیید این است که هیچ‌گونه انحراف مواد هسته‌ای یا فعالیت پنهانی دیگری وجود ندارد.

او در بخش دیگری از این نشست در پاسخ به این سوال که آیا ایران و آمریکا قادر خواهند بود بدون کمک‌های فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به توافقی درباره محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران دست یابند، گفت: مسلماً می‌توانند اما امیدوارم این کار را نکنند. چراکه دو کشور می‌توانند هر توافقی انجام دهند اما به‌نظم حتی خودشان بی خواهند برد که یک توافق بدون راستی‌آزمایی، صرفاً وهم یک توافق است، صرفاً سندی که نمی‌دانیم پایبندی به مفاد آن وجود دارد یا نه. به‌نظم این درک وجود دارد که آژانس باید در این زمینه نقش بسیار مهمی ایفا کند.

اظهارات گروسی درحالی مطرح شد که به نوشته خبرگزاری رویترز، آمریکا در حال لابی‌گری با سایر کشورهای عضو شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است تا از پیش‌نویس قطعنامه‌ای حمایت کنند که از تهران می‌خواهد سرنوشت مراکز هسته‌ای بمباران شده و اورانیوم غنی‌شده

خویشترنداری اسرائیل شده است.

ترامپ بعدتر اعلام کرد که ایران و اسرائیل به‌دنبال بازگشت به آتش‌بس هستند و مذاکرات برای دستیابی به یک توافق پایدار ادامه دارد. وی عصر یکشنبه گفت: «همین حالا با بی‌تماس می‌گیرم و به او می‌گویم، تلافی نکنند. اسرائیل حمله خود را انجام داد و ایران هم پاسخ خود را داد. دیگر نیازی به حمله دیگری نیست».

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین تأکید کرد: «ما به یک توافق نهایی با ایران بسیار نزدیک هستیم. این توافق، توافق خوبی خواهد بود و نمی‌خواهم اتفاقات اخیر این فرصت را از بین ببرد». او هشدار داد که اگر اسرائیل بار دیگر دست به حمله بزند، چرخه درگیری می‌تواند برای مدت طولانی ادامه پیدا کند.

ترامپ در اظهاراتی کنایه‌آمیز گفت: «اگر اسرائیل پاسخ بدهد این درگیری ممکن است ۴۷ سال دیگر یا حتی سه هزار سال دیگر ادامه پیدا کند». وی در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز نیز خطاب به ایران اظهار کرد: «شما موشک‌هاییتان را شلیک کرده‌اید؛ دیگر بس است. به میز مذاکره برگردید و توافق کنید».

او همچنین مدعی شد که پیش از وقوع این تنش‌ها، دو طرف به دستیابی به توافق نزدیک شده بودند و حتی اظهار کرد که انتظار داشته، توافق با ایران در روزهای آینده امضا شود.

چند ساعت بعد، نشانه‌های کاهش تنش ظاهر شد. قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء اعلام کرد که حملات علیه اسرائیل متوقف شده است. در مقابل، اسرائیل نیز از پایان عملیات خود خبر داد. کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد که ارتش این رژیم اخبار مربوط به ادامه حملات در تهران و دیگر مناطق ایران را رد و تأکید کرده که از صبح دوشنبه، عملیات جدیدی انجام نشده است. نیویورک تایمز به نقل از مقامات نظامی اسرائیل نیز نوشت: نتانیاهو به ارتش دستور داده که آماده‌سازی برای حمله دیگری به ایران را متوقف کند.

ارتش اسرائیل همچنین شایعات مربوط به ترور برخی مقامات ارشد ایرانی، ازجمله فرماندهان سپاه پاسداران، را تکذیب کرد. با این حال حملات اسرائیل به لبنان همچنان ادامه دارد. منابع لبنانی از حملات هوایی به محله «المساکن» در شهر صور همچنین شهرک‌های الخرابی و کوثریة الرز در جنوب لبنان خبر داده‌اند.

در پی افزایش تنش‌ها، چندین کشور منطقه ازجمله عراق، سوریه و قطر حريم هوایی خود را بستند. انتظار می‌رود با کاهش سطح درگیری‌ها، این محدودیت‌ها به‌تدریج لغو شود. در ایران نیز سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد، پروازهای فرودگاه مهرآباد و فرودگاه بین‌المللی امام‌خیمینی تا اطلاع ثانوی لغو شده‌اند. با این حال داده‌های ناوبری از ورود یک هواپیمای از مبدأ امارات به تهران از طریق آسمان شرق کشور خبر دادند؛ پروازی که به گفته سازمان هواپیمایی با مجوز رسمی انجام شده است.

همزمان با این تحولات، کشورهای غربی ازجمله انگلیس و کانادا خواستار خویشترنداری طرفین شدند. اتحادیه اروپا نیز

ذخیره شده را به آژانس اطلاع دهد.

در بخشی از متن ادعایی که توسط رویترز مشاهده شده، آمده است: ایران باید اطلاعات دقیقی در مورد مواد هسته‌ای و تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان در اختیار آژانس قرار دهد و تمام دسترسی‌هایی که آژانس برای راستی‌آزمایی این اطلاعات نیاز دارد را ارائه کند.

در همین حال لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، در حساب کاربری خودش در ایکس اعلام کرد به او گفته شده که پیش‌نویس قطعنامه آمریکا در نشست فعلی شورای حکام آژانس که سه کشور اروپایی (ترونیکا) به آن تمایلی نداشتند، اصلاح شده و حالا به قطعنامه مشترک سه کشور اروپایی و آمریکا تبدیل شده است. او استدلال کرد که با توجه به این مسئله، احتمال تصویب آن در حال حاضر وجود دارد.

نسبت به پیامدهای از سرگیری جنگ گسترده میان ایران و اسرائیل هشدار داد و از همه طرف‌ها خواست به مسیر گفت‌وگو بازگردند.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان نیز اعلام کرد: «افزایش اخیر خشونت‌ها در خاورمیانه یادآور روشنی از خطرات ناشی از یک آتش‌بس شکننده و پیامدهای غیرقابل‌تحملی است که ممکن است در پی داشته باشد. درحالی که ما با جدیت و تلاش فراوان همراه با برادران و شرکای خود برای یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک برای این درگیری تلاش می‌کنیم به‌ویژه در زمانی که هدف نهایی تقریباً در آستانه تحقق قرار دارد، صمیمانه از همه طرف‌ها می‌خواهم خویشترنداری پیشه کنند و فرصت بیشتری به صلح بدهند».

در همین حال مصر نیز خواستار تسریع در توافق ایران و آمریکا شد.

بمباران مذاکرات

تحولات اخیر بار دیگر این پرسش را مطرح کرده که آیا تشدید تنش‌های نظامی با روند مذاکرات ایران و آمریکا ارتباط دارد؟ نگاهی به سابقه روابط تهران و واشنگتن نشان می‌دهد که اسرائیل در مقاطع مختلف تلاش کرده، مانع شکل‌گیری توافق میان دو کشور شود. در جریان مذاکرات منتهی به برجام در سال ۲۰۱۵ نیز تل‌آویو و لابی‌های حامی آن در آمریکا از مخالفان اصلی توافق بودند. با این حال توافق هسته‌ای به سرانجام رسید هرچند خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، مسیر جدیدی از تنش را رقم زد.

تلاش‌های دولت جو بایدن برای احیای توافق نیز به نتیجه نرسید و اکنون در شرایطی که بار دیگر نشانه‌هایی از پیشرفت در گفت‌وگوها دیده می‌شود، بسیاری معتقدند اسرائیل با افزایش فشارهای امنیتی و نظامی درصدد برهم‌زدن فضای مذاکرات است.

از نگاه تحلیلگران، میان ترامپ و نتانیاهو نیز درباره نحوه مواجهه با ایران اختلاف‌نظر وجود دارد. نخست‌وزیر اسرائیل همچنان به‌دنبال تغییر معادلات داخلی ایران از مسیر فشار نظامی است درحالی که ترامپ معتقد است، بخشی از اهداف واشنگتن را می‌توان از طریق مذاکره و توافق دنبال کرد؛ مسیری که هزینه‌های بسیار کمتری نسبت به تقابل نظامی مستقیم دارد.

در عین حال برخی کارشناسان بر این باورند که هرگونه توافق احتمالی تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که واشنگتن درباره مطالبات اصلی تهران انعطاف نشان دهد. از این منظر، دولت ترامپ احتمالاً درحال بررسی راهکارهایی برای پاسخ به برخی خواسته‌های ایران است؛ اما همزمان تلاش می‌کند این امتیازات احتمالی را به‌گونه‌ای مدیریت کند که تصویر سیاسی «پیروزی» رئیس‌جمهور آمریکا در داخل کشورش حفظ شود.

به این ترتیب، اگرچه آتش درگیری‌های اخیر موقتاً فروکش کرده است اما نبرد اصلی همچنان در جایی دیگر جریان دارد؛ بر سر میز مذاکره‌ای که هر پیشرفت در آن می‌تواند با یک جرعه در میدان نبرد، بار دیگر در معرض تهدید قرار گیرد.



نورمن در این رشته پیام افزود، فشار آمریکا برای ارجاع فوری پرونده (ایران) به شورای امنیت سازمان ملل به دلیل «عدم پایبندی به آژانس» هم در قالب یک مصالحه از متن پیش‌نویس قطعنامه حذف شده است.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در نشست خبری درباره احتمال تصویب این قطعنامه گفت: حتماً ما برای هر پیشامدی آماده هستیم و پاسخ مقتضی را در نظر داریم. نکته مهم این است، کسی که نامزد دبیرکلی سازمان ملل است باید در رفتار خود و اعلام مواضع و انجام وظیفه خود به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی یعنی آژانس، مسئولانه عمل کند. مدیرکل آژانس بر رویکرد بسیار نامناسب و غیرسازنده خود اصرار دارد. او دلیل اصلی وضیت فعلی را نادیده می‌گیرد و صرفاً به پیامدها و نشانه‌های آن توجه می‌کند.

دیدگاه: یادداشت وارده

نجات ترامپ از باتلاق ایران

رای کنگره وتو نمی‌شود



جهانگیر محمودی نژادیان

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در شرایطی قرار گرفته که نه می‌تواند از جنگ با ایران دستاوردی قاطع ارائه کند و نه توان گسترش بی‌هزینه آن را دارد. از همین‌رو، گاهی با حملات محدود تلاش می‌کند این تصور را ایجاد کند که همچنان ابتکار عمل را در دست دارد اما فضای سیاسی آمریکا دیگر چندان با ادامه این روند همراه نیست.

در همین چارچوب، سننا و مجلس نمایندگان به دنبال محدود کردن اختیارات رئیس‌جمهور در انجام عملیات نظامی علیه ایران هستند. این اقدام نشان می‌دهد که بخشی از نخبگان سیاسی آمریکا نگران کشیده شدن کشور به یک درگیری گسترده و پرهزینه هستند.

براساس قانون اساسی آمریکا، ترامپ می‌تواند چنین مصوبه‌ای را وتو کند اما به‌نظر می‌رسد از انجام این کار خودداری خواهد کرد. دلیل نخست آن است که تصویب این محدودیت‌ها می‌تواند در آینده به یک پوشش سیاسی برای او تبدیل شود. ترامپ در صورت ناکامی می‌تواند، ادعا کند که کنگره با بستن دست رئیس‌جمهور، مانع تحقق اهداف آمریکا شده است.

دلیل مهم‌تر آن است که توتی این قانون به‌معنای پذیرش مسئولیت کامل ادامه جنگ خواهد بود. در چنین شرایطی اگر درگیری‌ها تشدید شود و آمریکا به اهداف خود نرسد، هزینه سیاسی آن مستقیماً متوجه کاخ سفید خواهد شد. بنابراین پذیرش محدودیت‌های کنگره برای ترامپ کم‌هزینه‌تر از ورود به یک رویارویی گسترده و نامطمئن است.

از این منظر، حمایت برخی جمهوریخواهان از محدودسازی اختیارات جنگی رئیس‌جمهور تنها یک اقدام انتخاباتی نیست. آنها علاوه بر حفظ اعتبار حزب خود، تلاش می‌کنند ترامپ را از بحرانی که خود در ایجاد آن نقش داشته، نجات دهند. به همین دلیل برخلاف شعارهای تند و مواضع تبلیغاتی، احتمال آنکه ترامپ مصوبه کنگره را وتو کند چندان بالا به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا او بیش از هر چیز به‌دنبال یافتن راهی برای خروج از باتلاقی است که ادامه آن می‌تواند، هزینه‌های سنگینی برای آینده سیاسی اش داشته باشد.

ویترین

آرنت شاعر

انتشار ترجمه مجموعه‌ای از شعرهای هانا آرنت
در آنچه می‌ماند



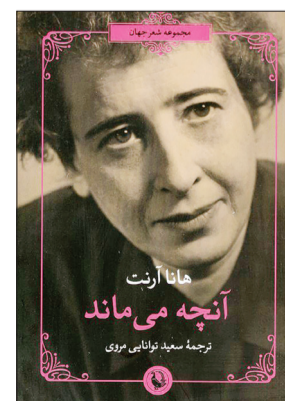
هانا آرنت را بیشتر با کتاب‌ها و نظراتش درباره توتالیتاریسم، تبعید، آزادی و کنش سیاسی شهرت دارد اما در پس چهره یکی از مهم‌ترین متفکران قرن بیستم، شاعری نیز حضور داشت که تجربه‌های شخصی، دل‌تنگی‌ها، عشق‌ها، تنهایی‌ها و زخم‌های تبعید را در قالب شعر ثبت می‌کرد. انتشارات مروارید منتخبی از اشعار آرنت را در کتابی با عنوان «آنچه می‌ماند» و با ترجمه سعید توانایی مروی منتشر کرده است؛ مجموعه‌ای که فرصتی فراهم می‌کند تا مخاطب با وجهی کمتر شناخته‌شده آرنت آشنا شود. این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست شامل ۲۱ شعر از دوران جوانی آرنت، پیش از ترک اجباری آلمان، و بخش دوم دربرگیرنده شعرهایی است که او در سال‌های پس از جنگ در دفترچه‌ها و نامه‌های شخصی خود نوشته است. در این اشعار، مضامینی چون تبعید، خاطره، فقدان، هویت، عشق، اندوه و جست‌وجوی معنای زیستن حضوری پررنگ دارند؛ مضامینی که در بسیاری از آثار فلسفی آرنت نیز به شکلی دیگر بازتاب یافته‌اند.

رویکرد آرنت به شعر

سعید توانایی مروی، مترجم این مجموعه، در گفت‌وگو با اینا درباره مهم‌ترین ویژگی شعر هانا آرنت می‌گوید: «تفکر شاعرانه شاخصه اصلی شعر آرنت است؛ شعر برای آرنت بازی آزاد اندیشه بود و آرنت خود در یکی از دفترهایش پرسشی را مطرح می‌کند که آیا شیوه‌ای از تفکر وجود دارد که تمامیت‌خواهانه نباشد؟ گمان می‌کنم پاسخ او به این پرسش، تفکر شاعرانه باشد. شعر برای او قالبی بود که می‌توانست تجربه و تفکر را در هم بپاشد. برای اندیشمندی در تبعید به یاد آوردن، مسئله بسیار مهمی است و حافظه جوهر شعر اوست.»

او در ادامه درباره چگونگی آشنایی‌اش با اشعار هانا آرنت و جرایب ترجمه آن‌ها می‌گوید: «من روزم را با خواندن شعر شروع می‌کنم و خواندن مجلات شعر بخشی از این برنامه روزانه است. در مجله‌ای خبر انتشار این کتاب را دیدم؛ خبر هیجان‌انگیزی بود، بعد از ۴۰ سال از مرگ آرنت در آرشیو کتابخانه کنگره شعرهای او را دوباره کشف کرده بودند و حالا منتشر شده بود. من با آثار آرنت آشنا بودم. او اندیشمند بسیار مهمی است، به‌ویژه برای ما در این مقطع از تاریخ، چراکه ما امروز با همان چیزی دست به گریبان هستیم که اودست‌کم نیمی از حیات فکری خود را صرف مبارزه با آن کرده بود. با این امید که این کتاب بتواند برای خوانندگان و پژوهش‌گران آثار او در زبان فارسی مفید باشد، این کتاب را ترجمه کردم و جالب این‌که کتاب را که به انتشارات مروارید سپردم، دو روز بعد اسرائیل به ایران حمله کرد. ترجمه این کتاب را تقریباً به فاصله چند روز از انتشارش شروع کرده بودم و اگر به جنگ ۱۲ روزه و این جنگ اخیر نخورده بود، شاید زودتر به بازار آمده بود.» سعید توانایی درباره جایگاه شعر در زندگی و جهان فکری آرنت هم می‌گوید: «شاعران نیویورکی به او شعرسرای انگلیسی را آموختند. او با شاعران بسیاری دوست بود از جمله دبلیو. اچ. آدن و رابرت لاول و حتی با الیوت هم دیدارهایی داشت. البته ذهن او لبریز از شعر آلمانی بود و تمام شعرهایش را به زبان آلمانی می‌نوشت. در شعرهای اولیه آرنت عاطفه یک دختر جوان را به خوبی می‌توان دید. شاید جهان استعاره و تشبیه او قدری متفاوت‌تر است. برای او عشق پیش از آن‌که تن باشد، سرزمین دوری است که او به آن راهی ندارد. شعر آرنت بیشتر بعدی از تفکر فلسفی اوست. به‌عنوان مثال اگر کتاب، وضع بشر ذهن او را در قالب نثر نشان می‌دهد اشعار او قلب و روحش را نشان می‌دهد، او شاعر بود نه برای اینکه شعر بگوید و شعر او برای زنده بودنش بود. شعر آرنت اراده برای زنده ماندن است، نه هدر دادن آن یا ناامیدی؛

او در شعر «آهنگ عزا» از نوعی شادمانی تلخ سخن می‌گوید، از ساختن معنایی تازه در دل تاریکی و در این معنا زیبایی زندگی پنهان است. عنوان کتاب هم البته به همین مفهوم مقاومت زبان اشاره می‌کند و شعر که در حقیقت سرپیچی از تقدیر دستور زبان است، به‌نوعی همان مفهوم ویتا‌کتیوی یا زندگی‌کنش‌مند است.»



ژنرال، دوربین و گل‌ها

ترجمه جستاری منتشرنشده از **بختیار علی** درباره اخلاق خشونت در سیاست مدرن



آراکو محمودی

نویسنده و مترجم

در این جستار، نگاه بختیار علی بیش از آن‌که در پی بازگویی یک واقعه تاریخی باشد، کوششی است برای مکث بر لحظه‌ای کوتاه از تاریخ؛ لحظه‌ای که در آن، انسان در برابر تصویری می‌ایستد و ناگهان با پیچیدگی هولناک جهان انسانی روبه‌رو می‌شود. بختیار علی از دل یک عکس-عکسی که بارها در حافظه جمعی تکرار شده- به پرسشی عمیق‌تر می‌رسد: چگونه ممکن است انسانی که از گل‌ها، موسیقی و زیبایی سخن می‌گوید، در همان حال دست به خشونت‌هایی چنین عریان‌ترزند؟ ترجمه حاضر در چارچوب پروژه ترجمه آثار «نظری و فکری» بختیار علی انجام شده و با نظارت ایشان و با اجازه مستقیم نویسنده صورت می‌گیرد.

دو چهره ژنرال

بختیار علی: هرگاه سخن از جنگ و پندام به میان می‌آید، سه تصویر بی‌درنگ در حافظه من زنده می‌شود. نخستین تصویر، عکسی است از پنج کودک گریان که در خیابانی ایستاده‌اند؛ در میان آنان دختر بچه‌ای برهنه دیده می‌شود که هراسان می‌دود و از وحشت می‌لرزد، و در پس آنان، چند سرباز با کلاه‌خودهای نظامی در حرکت‌اند. تصویر دوم، کودکی ویتنامی را نشان می‌دهد که سربازی

گزارش: سریال ایرانی

تومند از ارتش ایالات متحده او را به اسارت گرفته و در برابر خود نگه داشته است. اما تصویر سوم - که موضوع اصلی این نوشته است - تصویری است مشهورتر: تصویری از لحظه‌ای کوتاه در مرز میان مرگ و زندگی. در این تصویر مردی ویتنامی با قامتی کوتاه و موهایی که به‌گونه‌ای چشمگیر رو به بالا شانه شده‌اند، دیده می‌شود. او تپانچه‌ای در دست دارد و اندکی مایل ایستاده است، چنان‌که بیشتر پشتش رو به دوربین است. رولورش را در آورده و به‌طرف شقیقه راست ویت کنگ نشانه رفته؛ جوانی با بلوزی چهارخانه و شلواری کوتاه. عکس دقیقاً در همان لحظه‌ای ثبت شده است که گویی گلوله شلیکی می‌شود و به سر آن جوان اصابت می‌کند. در تصویر هنوز نشانه‌های آشکار از خون یا جراحت دیده نمی‌شود، اما چهره آن ویت‌کنگ چنان درهم کشیده و منقبض شده که



گویی نخستین نشانه‌های برخورد گلوله را در خود حمل می‌کند؛ انگار گلوله از درون جمجمه او عبور کرده است. در میان همه تصاویر جنگ و پندام، این تصویر بیش از هر تصویر دیگری بر من اثر گذاشته است. اگر اشتباه نکنم نزدیک به ۳۵ سال پیش برای نخستین بار آن را دیدم. از آن زمان تاکنون، هرگاه به جنگ و به زندگی انسان می‌اندیشم، این تصویر بیش از هر تصویر دیگری در ذهنم احضار می‌شود. گمان نمی‌کنم تنها کسی باشم که چنین تجربه‌ای دارد. این عکس نه‌تنها یکی از مشهورترین تصاویر قرن بیستم است، بلکه به یکی از شناخته‌شده‌ترین تصاویر تاریخ جنگ‌ها نیز بدل شده است. امروزه این تصویر در حافظه جمعی ما جای گرفته است؛ حتی برخی معتقدند همین عکس نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری افکار عمومی علیه جنگ و در نهایت شکست ایالات متحده در آن جنگ داشته است.

به‌دروستی به یاد ندارم نخستین بار در چه سنی آن را دیدم؛ احتمالاً ۱۴ یا ۱۵ ساله بودم. در آن زمان هیچ چیز درباره داستان پشت آن عکس نمی‌دانستم. برای من تنها تصویری هولناک از جنگ بود؛ صحنه‌ای که بیشتر به نمایی از میانه یک فیلم شباهت داشت. با این‌همه، چیزی که مرا سخت مجذوب می‌کرد، چهره ژنرال بود؛ می‌خواستم آن چهره را از نزدیک ببینم و در آن خیره شوم. این نیز بخشی از شور و ولع نوجوانی من بود: عطشی برای دیدن و فهمیدن همه چیز.

در آن زمان هیچ راهی نبود که بدانم مردی که در تصویر ویت‌کنگ را می‌کشد، چه کسی است. سال‌ها بعد، در کتاب

رویای مدیران، کابوس مخاطب

نگاهی به سریال کلینیک رویا محصول کمدی این روزهای تلویزیون



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

مجموعه «کلینیک رویا» به کارگردانی سجاد مهرگان و تهیه‌کنندگی اکبر تحویلپان، به سفارش مؤسسه فرهنگی اندیشه‌های شهید آوینی، سریال طنز این روزهای شبکه سه سیماست.

در همین ابتدا، نام سجاد مهرگان، کارگردان این مجموعه که به طرزی عجیب، به «جشنواره مردمی عمار» گره خورده است، جلب‌توجه می‌کند. ظاهراً دوره ریاست پیمان جبیلی و معاونت وحید جبیلی، رسماً به دوره قبضه عرصه تولید توسط وابستگان وحید جبیلی و جشنواره عمار او تبدیل شده است. به بیان دیگر، ظاهراً تلویزیون دوره جبیلی - جبیلی، که با بودجه عمومی اداره می‌شود، عملاً به محل کارآموزی پروردگان و رشديافته‌گان جبیلی کوچک در حسینه هنر و جشنواره عمار تبدیل شده است. اینکه نوعی انحصار در ساخت آثار داستانی، مستند و اجرا و برنامه‌های ترکیبی تلویزیون برای افراد و شخصیت‌هایی شکل بگیرد که تازه کل جریان انقلابی و ارزشی را هم نمایندگی نمی‌کنند و صرفاً حامل افکار و ایده‌های یک بخش از جریان موسوم به «جبهه انقلاب» هستند، نه‌تنها با دعاوی «عدالت‌خواهی» و «دغدغه بیت‌المال» جور در نمی‌آید، که جفای آشکار در حق همه جوانان بالاستعداد عرصه ساخت فیلم و سریال و برنامه‌سازی است که صرفاً در چارچوب نسبتاً تنگ سلیقه جریان عمار و حسینه هنر جا نمی‌گیرند. به‌هرحال، تلویزیون طبق قانون اساسی به آحاد اعضای این جامعه تعلق دارد و ملک شخصی کسی نیست که بخواهد نوعی مونوپولی (از هر نوع) در آن شکل دهد.

اگر رضا عطاران در دهه هشتاد، وارد عرصه ساخت سریال

شد و تجربه‌های ماندگار و موفق چون «بزنگاه» (۱۳۸۷) را رقم زد، سابقه بیش از یک دهه حضور مستمر و حرفه‌ای در عرصه تخصصی طنز را در کارنامه داشت. وی پیش از «بزنگاه»، سه مجموعه به‌شدت پرفرمدار «کوچه اقایان»، «خانه به‌دوش» و «متمم گریخت» را ساخته بود. در واقع، عطاران خود به تنهایی نماد دوران حضور پررنگ حرفه‌ای‌گری و طی کردن سلسله‌مراتب فنی و هنری به‌عنوان معیارهای رشد در تلویزیون است. اینکه سامان مهرگان، چه کارنامه پربار و اصولاً کدام تجربه زیسته قابل‌توجه را داشته که ساخت سریال در بهترین باکس آنتن تلویزیون به او سپرده شده، یکی از ابهامات پرشمار است. فعلاً که در غیاب عطاران، آقاخان، مقدم، لطیفی، مدیری، صحت و دیگر باتجربه‌های محبوب این حوزه، شاگردان و دست‌پروردگان وحید جبیلی، همه منافذ صداسیمای جبیلی را پر می‌کنند!

برای اینکه مشخص شود که کارنابدی و عدم‌بختگی و در عین حال، گرفتن امتیاز بهترین باکس پخش سیمیا، چه خروجی‌ای دارد، صرفاً یک مصداق را بررسی کنیم. در قسمت ۳۳ «کلینیک رویا»، پدرام پارسا (وحید رهبانی) و حمید قلّه (امیر کریمی‌زاده) در دوران اترنی، با همین تیپ و پوشش زمان حال (حتی موهای سفید و ریش بزی حمید قلّه هم عیناً مثل زمان حال است!)، فیلم «مرد عوضی» را در سالن سینما تماشا می‌کنند که نمایش عمومی آن مربوط به سال ۷۷ است! به بیان دیگر، دوران اترنی پدرام پارسا و حمید قلّه، دهه هفتاد است و با توجه به هفت ساله بودن دوران تحصیل پزشکی در دهه ۷۰ آن دو می‌بایست در اوایل دهه هفتاد، جوانانی دست‌کم بیست و یکی دوساله می‌بودند. با این‌حساب، پدرام پارسا که در فیلم متولد اسفند ۱۳۶۵ معرفی می‌شود، در سال ۷۷ (یعنی سال نمایش فیلم «مرد عوضی») می‌بایست یک نوجوان ۱۲ ساله باشد، نه یک جوان بیست و شش هفت ساله در دوره

اترنی! پدرام پارسا هم‌اکنون باید مرد میانسال ۵۰ ساله باشد، نه یک جوان مجرد دهبخت! در واقع او سن پدر رویا مرزبان را دارد! این در حالی است که ما در همان فلش‌بک مربوط به سال ۷۷، دکتر ایرج خودنگار را در بیمارستان می‌بینیم که در سن میانسالی و دست‌کم سی سال از سن فعلی جوان‌تر است، اما دانشجویان او در سال ۷۷، هیچ فرقی از نظر ظاهر و پوشش با سال ۱۴۰۴ ندارند! با هر متر و معیاری، این یک گاف وحشتناک در منطق روایی است. این میزان شلختگی در تولیدات آن دفتر فیلم‌سازی معروف بخش خصوصی (که کبی‌های چندباره از فیلمفارسی‌های قدیمی می‌سازد) هم قفل است.

ایرج خودنگار که متخصص بی‌هوشی معرفی می‌شود، در چند سکانس در طول سریال، هم طب نوزادان و هم ارتوپدی به دانشجویان درس می‌دهد، در حالی که اصولاً بیمارستان «زایش» (کلینیک رویای بعدی) یک «زایشگاه» بوده و هست! کل ماجرای تحقیق شاهرخ مرزبان و خانواده درباره خانواده پارسا، به‌شدت عقب‌مانده و منسوخ است. اینکه بعد از نزدیک به چهار دهه از پخش سریال «آینه عبرت»، هنوز خانواده مرزبان این‌گونه تحقیق می‌کنند که در همسایه ۱۰خانه آن‌سوتر از خانه پارسا را می‌زنند تا پیرسند آیا خانواده خوبی هستند و اهل مواد نیستند، صرفاً تمسخر عقل و شعور کاراکتر نیست، که وهن شعور مخاطب و خیانت به سرمایه عمومی هم هست.

در مجموع، با بررسی روند و مجموعه آثاری که پچه‌های ساخته جبیلی در سیمافیلم و شبکه‌های مختلف سیمیا تولید کرده و به پخش رسانده‌اند، یک نوع «پچه مثبتیسم» بسیار پررنگ و غلیظ که ته‌به‌ته بلاهت و سفاهت می‌زند، در کلیت این آثار عیان است. انگار نه انگار که درباره جامعه‌های فیلم و سریال می‌سازند که دست‌کم در دو دهه اخیر، در روند شناختناک و روزافزون حوادث، چون آهنی در کوره آبدیده شده و به نسبت بخش بزرگی از جوامع دنیا، به‌واسطه تجربیات سنگین و

نقد: سینمای جهان

بازگشت فیلم ترسناک

درباره کم‌دی اسکریمووی
پرفروش‌ترین فیلم جهان

«اسکریمووی» یا «فیلم ترسناک» با فروش ۱۰۵.۵ میلیون دلاری، صدرنشین گیشه جهانی شده است. افتتاحیه جهانی آن باعث شد، مجموع فروش کل مجموعه «فیلم ترسناک» از مرز یک میلیارد دلار عبور کند. این فیلم به کارگردانی مایکل تایداس، ششمین قسمت مجموعه «فیلم ترسناک» است که نخستین قسمت آن در سال ۲۰۰۰ اکران شد.

بعضی از محبوب‌ترین ژانرهای کم‌دی، فیلم‌های پارودی و هجو هستند. مل بروکس، یکی از محبوب‌ترین فیلم‌سازان این ژانر است. اولین «فیلم ترسناک» واقعاً خنده‌دار بود اما به‌نظر می‌رسید برای این «فیلم ترسناک» جدید اساساً مخاطب هدفی وجود ندارد. فیلم چیزی نیست جز یک تلاش آشکار و بی‌شرمانه برای پول‌سازی. چند لحظه بامزه در آن پیدا می‌شود، اما این لحظات میان یکی از بدترین فیلم‌هایی که احتمالاً آسمال خواهد دید، دفن شده‌اند.

هرچند «فیلم ترسناک» چند شوخی واقعاً بامزه و چند لحظه‌ای دارد که باعث خنده می‌شود، اما در مجموع با فیلمی بسیار ضعیف روبه‌رو هستیم. هدف‌های شوخی‌ها آنقدر پراکنده و بی‌برنامه انتخاب شده‌اند که حتی وقتی یکی از آنها جواب می‌دهد، بلافاصله یک یا دو شوخی ناموفق و بی‌مزه پشت‌سرش می‌آید. هرچند در چنین فیلم‌هایی داستان معمولاً اهمیت چندانی ندارد، اما این فیلم ژانری از سینمای وحشت را دست می‌اندازد که خودش مدت‌هاست تاریخ مصرفش گذشته است. به همین دلیل، فیلم از همان روز نخست اکران هم، کهنه و خسته‌کننده به‌نظر می‌رسد. به‌طور کلی، روایت آن از پنجمین قسمت «جیغ» پیروی می‌کند؛ فیلمی که شخصیت‌های تازه را با چهره‌های قدیمی مجموعه ترکیب کرده بود. پس از یک افتتاحیه نسبتاً خوب که با حضور کوتاه و غافلگیرکننده یک بازیگر مهمان همراه است، قاتل نقاب‌دار «گوست‌فیس» به تیوژدی (ساوانا لی نصیف)، کوچک‌ترین دختر سیندی (آنا فاریس) که حالا

به زنی منزوی و گوشه‌گیر تبدیل شده،

حمله می‌کند. این سوء قصد باعث می‌شود خواهر بزرگتر او، سارا (اولیویا رز کیگان)، به همراه نامزدش جک (کامرون اسکات رابرتس) به شهر بازگردند. آنها در آنجا با برندا (رجینا هال) و فرزندانش، برد (گرگ وینز) و دی‌آی‌آی (سیدنی پارک)، و همچنین دوست‌دختر برد، ال رویی

اسنور) روبه‌رو می‌شوند. البته شخصیت‌های جدید دیگری هم حضور دارند و در کنار آنها شورتی (مارلون وینز) و ری (شاوون وینز) نیز بازگشته‌اند. و طبیعتاً قرار است یکی از آنها قاتل باشد. فیلم درحالی که کم‌پیش‌مسیر داستانی «جیغ» را دنبال می‌کند، به تمسخر آثار مختلفی می‌پردازد؛ از فیلم‌های ترسناک جدیدی مانند «گناهکاران» و «سلاح‌ها» گرفته تا آثار قدیمی‌تری همچون «لانگ‌لک» و «ماده» و «ترفیایر» و... بدیهی است که هیچ‌کدام از این ارجاعات اهمیت واقعی ندارند و همه چیز صرفاً برای خندانندن مخاطب طراحی شده است، اما حتی با پایین آوردن سطح انتظارات نیز، تعداد زیادی از این شوخی‌ها بیشتر بدجنس و زنده به‌نظر می‌رسند تا واقعاً خنده‌دار. آنا فاریس و رجینا هال، بهترین عملکرد را در میان بازیگران دارند، اما به‌طور کلی بازیگری در فیلم چندان تعریفی ندارد. فارسی و هال دست‌کم روی بام‌زهرترین ویژگی‌های شخصیت‌های خود تمرکز کرده‌اند؛ به‌ویژه که سال‌هاست این نقش‌ها را بازی می‌کنند. مارلون وینز و شاوون وینز نیز بخش بزرگی از خنده‌های باقی‌مانده فیلم را تأمین می‌کنند، اما حتی شوخی‌های آنها هم دیگر تأثیر و تازگی گذشته را ندارند. و تازه‌واردها؟ تقریباً همگی افتضاح‌اند. مایکل تیدز، کارگردان فیلم، طبیعتاً با چنین فیلم‌نامه فاجعه‌باری کار آسانی در پیش نداشته است، اما باید گفت او نیز تلاش چندانی برای نجات فیلم نکرده است. فیلم‌نامه که نام ریک آلوارز، کریگ وینز، کینن آیوری وینز، مارلون وینز و شاوون وینز را به‌عنوان نویسندگان بر خود دارد، احتمالاً بدترین فیلم‌نامه در کل تاریخ مجموعه «فیلم ترسناک» است. متن فیلم چنان خالی از ایده و چنان تبتلانه نوشته شده که حتی زمانی که به‌صورت اتفاقی به یک شوخی موفق می‌رسد، باز هم نمی‌توان ضعف‌های فاحش آن را نادیده گرفت. «فیلم ترسناک» فیلمی افتضاح است. لحظات خنده‌دار در آن وجود دارند اما هر نکته مثبت در میان انبوهی از ضعف‌ها و تصمیم‌های اشتباه گم شده است.

متمدن، فرهیخته و فرهنگ‌دوست به نمایش می‌گذارد، و در سوسی دیگری می‌تواند به نهایت خشونت و دزدگی برسد. سیاست مدرن دقیقاً از همین دوگانگی تغذیه می‌کند.

تصویری که فالاجی از ژنرال ارائه می‌دهد، با تصویری که دوربین آدامز ثبت کرده یکسان نیست. دوربین لحظه‌ای را ثبت می‌کند که گویی همه حقیقت در آن متراکم شده است، اما زندگی واقعی همواره پیچیده‌تر از یک تصویر است.

ژنرال مردی تندخو و جنگ‌طلب بود که برای بیرون راندن ویت‌کنگ‌ها از محله‌های سسایگون گاه آن مناطق را با ناپالم به آتش می‌کشید؛ با این‌حال همان مرد می‌توانست از گل‌ها و موسیقی سخن بگوید. آنچه درباره ژنرال لون مرا به تأمل وامی‌دارد این است که سیاست در جهان مدرن دقیقاً به هر دو چهره او نیاز دارد. بدون یکی از این دو چهره، سیاست نمی‌تواند دوام بیاورد. از یک‌سو باید خود را همچون عاشق زیبایی و فرهنگ نشان دهد؛ انسانی متمدن که با هنر و ادبیات پیوند دارد. از سوی دیگر باید توان انجام زشت‌ترین اعمال را نیز داشته باشد. این دو چهره نهایتاً با یکدیگر ناسازگار نیستند، بلکه یکدیگر را تکمیل می‌کنند و حتی می‌آفرینند. با این حال در زندگی واقعی کمتر سیاست‌مداری آن‌قدر بداقبال است که عکاسی چون آدامز و روزنامه‌نگاری چون فالاجی هر دو چهره زندگی او را چنین عریان ثبت کنند.

در گزارش فالاجی، سرگذشت این‌عکس بخش بزرگی از کتاب را تشکیل می‌دهد. پرسشی که پیوسته در برابر خواننده قرار می‌گیرد، این است: آیا می‌توان ژنرال را بخشید؟ فالاجی در ابتدا موضعی بسیار سخت‌گیرانه نسبت به او دارد، اما در ادامه به این نتیجه می‌رسد که در جنگ، انسان گناه ناچار است با زشت‌ترین و دشوارترین گناهان نیز کنار بیاید؛ زیرا در جنگ تشخیص اینکه هیولای درون انسان کجا پایان می‌یابد و انسان از کجا آغاز می‌شود، تقریباً ناممکن است.

در جایی از کتاب، فالاجی لحظاتی را توصیف می‌کند که ژنرال زخمی شده و پزشکان تصمیم می‌گیرند پایش را قطع کنند. در بیمارستان دیگر آن مردی نیست که در عکس دیده‌ایم. دیگر توان دیدن جنگ را ندارد، لباس نظامی نمی‌پوشد و با دستی لرزان حتی نمی‌تواند اسلحه‌های را به سوی دشمن بگیرد. اکنون او مردی بیمار است که زود بعضی می‌کند و به گریه می‌افتد.

داستان خراب است، هیچ بهره‌ای از تلاش مذبح‌خانه خود نمی‌برند. اصولاً در «کلینیک رویا» نه خبری از «شخصیت» طراحی شده است و نه حتی به قول مسعود فراسی! «تیپ»‌های قابل قبول در آن دیده می‌شوند، هرچه هست کاریکاتوری است از تیپ‌های مستعمل که قبلاً صدها و هزاران بار نمونه‌های آن را دیدیم. اصولاً در بسیاری از اوقات، «کلینیک رویا» در حد «ادا-بازی»‌های رایج شده پس از «خندوانه» و البته از نوع بسیار نازل و پیش‌افتاده آن است.

شاید باز باید یک واقعیت مکرر گفته‌شده را که حتی کایشه‌ای هم به‌نظر برسد، بار دیگر مورد تأکید قرار دهیم، که «کم‌دی» ساختن برخلاف برداشتی که در این سریال به‌معنی ادا-بازی از آن شده، و شوخی‌های بی‌رقم و بشکن و بریز نیست، بلکه کم‌دی یکی از سخت‌ترین ژانرهاست و محتاج دقت، ظرافت و خلاقیت در طراحی داستان، خلق شخصیت‌های بانمک، پرداخت ایده‌های طنزآهانه و البته شناختی دقیق، عمیق و زیرپوستی از افکار مختلف جامعه است. کاملاً روشن است که نویسنده و کارگردان «کلینیک رویا» نه شناخت عینی و حتی تئوریک از فضای کادر درمان و واقعیت یک زایشگاه دارند، نه حتی یکبار کلاس‌های دانشکده پزشکی یا اتاق تشریح را از نزدیک دیده‌اند. نمی‌شود به بهانه «کم‌دی» بودن، واقعیت را جعل کرد و تصویری وارونه از یک صنف یا یک فضای کاری ارائه داد.

اینکه مدیر یک بیمارستان سرخود تصمیم بگیرد نام پنجاه‌ساله آن بیمارستان را عوض کند و یک شبه، بدون بحث و بررسی در هیأت‌مدیره بیمارستان، این کار انجام بگیرد و حتی تأیید نهایی خود همان رئیس بیمارستان از فرد یک تابلوی جدید سردر آن قرار بگیرد، هیچ ربطی به کم‌دی بودن اثر ندارد، بلکه دقیقاً متوجه شناخت به‌شدت پایین و سطحی است.

بهر حال، تلاش بی‌وقفه و مستمر تیم جبلی-جلیلی برای اعمال انحصاری یک سلیقه در همه بخش‌های تولیدی سازمان، نه‌تنها هیچ کمکی به کم‌شدن فاصله فاجعه‌بار میان جامعه و سیمیا (که منجر به بذرافکنی رسانه‌های معاند در سال‌های گذشته و تجلیات تراژیک آن در دی‌ماه گذشته شد) نکرده است، که به حادث شدن معضل هم منجر شده است. نشان به آن نشان که همچنان پرریننده‌ترین آثار داستانی در بین کل شبکه‌های سیمیا، از آن شبکه «آی‌فیلم» است که مختص نمایش تولیدات سال‌های گذشته سازمان است.



با این حال آدامز بعدها، بارها از او عذرخواهی کرد. پس از پایان جنگ و سقوط سسایگون، ژنرال به ایالات متحده رفت و در آن‌جا پیتزافروشی کوچکی باز کرد؛ اما هنگامی که هویت واقعی او آشکار شد، مشتریانش را از دست داد و سرانجام در سال ۱۹۹۱ ناچار شد آن کار را رها کند. او در سال ۱۹۸۸ بر اثر سرطان درگذشت.

اما آیا ژنرال واقعاً همان هیولایی بود که این تصویر به ما نشان می‌دهد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، باید به کتاب فالاجی بازگردیم. در این کتاب چند گفت‌وگوی بسیار جالب میان فالاجی و ژنرال لون نقل شده است. نخستین دیدار آنان در هفتم سپتامبر ۱۹۶۷ رخ داد؛ یعنی ۴۵ روز پیش از ثبت آن عکس. در عکس، چهره ژنرال چندان واضح دیده نمی‌شود، اما فالاجی او را زشت‌ترین مردی توصیف می‌کند که تا آن زمان دیده است. به گفته او، ژنرال با بینی بزرگ و دهانی نامتناسب در نگاه نخست، نوعی احساس انزجار برمی‌انگیخت. با این‌حال، ژنرال در همان مصاحبه خود را چنین توصیف می‌کند: «آه خانم! من عاشق گل‌ها هستم. هر روز باید گل تازه‌ای روی میز من باشد، و روی هر گل هم قطره‌های شبنم بنشیند. من آدمی کاملاً رمانتیکی هستم. می‌دانید؟ گل‌ها، موسیقی... هرشب به موسیقی گوش می‌دهم. براس، شوین... آهنگ‌های آن‌ها را با پیانو می‌نوازم و خودم را با ساختن آهنگ سرگرم می‌کنم» آیا ممکن است کسی شوین بنوازد و در همان حال در خیابانی خلوت اسیری را بکشد؟ پاسخ این پرسش - هرچند ناخوشایند - مثبت است. انسان می‌تواند عاشق گل‌ها باشد و در عین حال ژنرالی هراس‌انگیز نیز باشد؛ می‌تواند شیفته شبنم نشسته بر گل‌پرگ‌ها باشد و در همان حال با خونسردی کسی را بکشد. از این منظر، ژنرال لون کاراکتری استثنایی نیست. او در حقیقت تجسم نوعی منطق درونی در سیاست مدرن است؛ سیاستی که در یک سوی خود چهره‌ای

«زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اثر روزنامه‌نگار ایتالیایی اوربانا فالاجی، اطلاعات فراوانی درباره آن تصویر به‌دست آورد. هنگامی که آن عکس گرفته شد، چند روزی از جشن یت -سال نو ویتنامی- گذشته بود؛ زمانی که نیروهای ویت‌کنگ حمله‌ای گسترده علیه سسایگون آغاز کرده بودند.

آنچه در تصویر بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، دستانی است که بی‌هیچ لرزشی تپانچه را در دست گرفته‌اند؛ دستانی آرام و مصمم برای کشتن. کسی که کشته می‌شود چریک کمونیستی از نیروهای ویت‌کنگ به نام نگوین وان لم است. قاتل، ژنرال نگوین نکوک لون، رئیس پلیس سسایگون و از حامیان حکومت ویتنام جنوبی بود؛ حکومتی که ایالات متحده از آن پشتیبانی می‌کرد. این عکس را عکاس خبری ایدی آدامز از خبرنگاری آسوشیتدپرس در اول فوریه ۱۹۶۸ ثبت کرد.

اما تازدی نهفته در این تصویر تنها به همان لحظه شلیک ختم نمی‌شود. آنچه برای من جالب‌تر است، رابطه‌ای است که میان عکاس و مردی که در حال کشتن است برقرار می‌شود؛ یعنی رابطه میان ایدی آدامز و ژنرال لون. نکته شگفت این است که به‌جای آن‌که ژنرال بعدها از عمل خود اظهار پشیمانی کند، این آدامز بود که از گرفتن آن عکس احساس پشیمانی کرد. جمله‌ای از او بعدها به اندازه خود تصویر مشهور شد: «ژنرال یک ویت‌کنگ را کشت؛ اما من با دوربینم ژنرال را کشتم. عکس‌ها قدرتمندترین سلاح‌های جهان‌اند. مردم همیشه به آن‌ها اعتماد می‌کنند، اما عکس‌ها می‌توانند دروغ بگویند، حتی وقتی دستکاری نشده‌اند. عکس تنها نمیی از حقیقت را نشان می‌دهد. آنچه این عکس نمی‌گوید این است که اگر تو در آن زمان و در آن مکان، به جای ژنرال بودی، چه می‌کردی؟» به‌سبب همین عکس، ژنرال لون به نمادی جهانی از خشونت بدل شد.



شخصیتی را برای او فعال می‌کند و چه تمایزی به او در طول داستان می‌بخشد؟ آنچه ما از شاخه می‌بینیم، یک انسان ناپخته است که گرچه برآید سوار می‌شود، اما یک زندگی مرتب در یک خانه ویلایی بزرگ دارد، به نحوی که می‌تواند با گروگذاشتن سند، پولی به‌اندازه خرید دو دانگ از یک بیمارستان را وام بگیرد. بهرام پارسا و ایرج خودنگار که رسماً به‌عنوان دو دکتر عقب‌مانده تصویر می‌شوند، در اواسط سریال به‌عنوان نیروی داوطلب حضور در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران معرفی می‌شوند، آن‌هم ایرجی که در قسمت‌های ابتدایی دیدیم که با شنیدن صدای بمب غش می‌کند و همه فکر و ذکرش این بود که چرا پیش‌شوند «دکتر» را برایش سه کار نبرده‌اند. این یک اصل اثبات‌شده است که «بد» و «نااه‌جا» مطرح‌کردن ارزش‌ها و شعارهای درست، نتیجه‌ای جز نقض غرض و حتی «ابتذال مضاعف» ندارد.

«کلینیک رویا» مصداق مکرری از این اصل سینمایی است که یک فیلم‌نامه حتی متوسط، که واجد حداقل استانداردهای دراماتیک است، می‌تواند بستری برای جلوه‌نمایی و ابراز وجود یک بازیگر متوسط باشد و او را در سطح یک ستاره درخشش دهد، اما یک فیلم‌نامه ضعیف، بهترین بازیگران را هم با خود به حقیض می‌کشد. بازیگرانی چون وحید رهبانی و محمد نادری کاملاً در زندان تنگ یک فیلم‌نامه پیش‌افتاده اسیر شده‌اند و هرقدر هم برای ارتقای نقش تلاش می‌کنند، چون پی و اساس

تروماتیک‌کی چون جنگ، تحریم، درگیری‌های درونی و فشارهای اعمال‌شده بر آن، به لحاظ روحی و روانی پخته‌تر، آگاه‌تر و بالغ‌تر است. کما اینکه در همین جنگ همه‌جانبه اخیری که بر کشور تحمیل شده، رفتارهای پخته و انسانی و شعورمند ملت ایران، باعث شگفتی جهانیان شده است. آن‌وقت اگر در تصویرکردن چنین جامعه‌ای، به بهانه «طنز»، مشت‌انسان مشنگ، کم‌عقل، نابالغ در رفتار و گفتار و به‌شدت لوده را به تصویر بکشی که از قضا اصلاً و ابداً خنده‌دار هم نیست، نشان از یک مشکل جدی و عمیق در دستگاه ادراکی سفارش‌دهندگان و سازندگان «کلینیک رویا»ها دارد.

در این میان، تلاش برای گنجاندن میزان هرچه بیشتری شعار در بطن و بنیاد مجموعه‌ای که لودگی و بلاهت از سر و روی آن می‌بارد، مثال بارز نقض غرض است. اینکه پدرام پارسا به ناگهان و بی‌مقدمه فرزند شهید از کار دربیاید که هم پدر و هم مادرش را در مناطق جنگی جنوب از دست داده، در ادامه چه آورده‌ای برای داستان دارد؟ بگذریم که اصلاً فرزندخواندگی پدرام و مجرد ماندن پدرخوانده‌اش (پروفسور بهرام پارسا) در تمام عمر و اینکه هیچ قوم و خویشی در زمان مرگ پدر و مادر واقعی پدرام و بعد از آن برای او باقی نمانده باشد که پیگیر سرنوشتش شوند، آنقدر از نظر منطقی سست است که مبنای فرزند شهیدبودن پدرام را هم لوٹ می‌کند. یا «ارزنده»‌ای قدیمی بودن شاهرخ مرزبان (محمد نادری) کدام تیک دراماتیک و

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌کند

آیین رونمایی از کتاب

بیکاری مای نبی عباس

و شهادت امامان معصوم (ع)

از سایه نفاق تا طغی شادت

سخنرانان

غلامرضا امیرخانی
رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

عبدالمجید معادپنخواه
یژوشکر قران و تاریخ اسلام

رسول جعفریان
رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

محمدباقر انصاری
رئیس موسسه بوستان کتاب

فضل الله صلواتی
سولف کتاب

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
ساعت ۱۷ تا ۱۹

انوان حفای، خروجی کتابخانه ملی
مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سالن حکمت

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

سایه تنشی

فشار فروش چگونه به تالار شیشه‌ای بازگشت؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران در روز دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۵ تحت‌تأثیر آغاز درگیری‌های میان ایران و اسرائیل با افزایش محسوس عرضه‌ها و تشدید فشار فروش همراه شد. بازاری که طی هفته‌های گذشته یکی از پررونق‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشته و با ورود نقدینگی و رشد قابل‌توجه شاخص‌ها مواجه بود، دیروز در واکنش به افزایش ریسک‌های سیاسی و امنیتی، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت و بخش عمده نمادها در محدوده منفی معامله شدند. فعالان بازار سرمایه معتقدند، افزایش تنش‌های منطقه‌ای مهم‌ترین عامل تغییر فضای روانی بورس در معاملات دیروز بود. در شرایطی که طی روزهای گذشته خوش‌بینی نسبت به آینده بازار باعث افزایش تقاضا و شکل‌گیری صف‌های خرید در بسیاری از نمادها شده بود، انتشار اخبار مربوط به درگیری‌های نظامی موجب شد، بخشی از سرمایه‌گذاران استراتژی احتیاط را در پیش بگیرند و برای کاهش ریسک اقدام به فروش سهام خود کنند. در پایان معاملات، شاخص کل بورس با افت ۶۷ هزار و ۵۸۳ واحدی معادل ۱۰۵ درصد به سطح ۴ میلیون و ۲۲۶ هزار و ۲۵ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۱۵ هزار و ۶۰۶ واحدی معادل ۱۰۳ درصد افت کرد و در ارتفاع یک میلیون و ۱۸۸ هزار و ۱۴۷ واحد ایستاد. افت هم‌زمان این دو شاخص نشان می‌دهد، فشار فروش تنها به چند نماد بزرگ محدود نبوده و بخش گسترده‌ای از بازار را در بر گرفته است. بررسی وضعیت نمادها نیز از غلبه فضای منفی بر معاملات حکایت دارد. در پایان بازار ۶۵۲ نماد با کاهش قیمت به کار خود پایان دادند و تنها ۱۷۵ نماد موفق شدند در محدوده مثبت معامله شوند. همچنین ۶۰۴ نماد با صف فروش روبه‌رو بودند، درحالی که تعداد نمادهای دارای صف خرید به ۱۲۶ نماد رسید. این آمار نشان می‌دهد، کفه ترازو در معاملات دیروز به شکل محسوس به نفع فروشندگان سنگینی کرده است. با این حال معاملات دیروز یک تفاوت مهم با برخی دوره‌های بحرانی گذشته داشت. برخلاف شرایطی که در زمان وقوع شوک‌های شدید سیاسی، کل بازار در صف فروش قفل می‌شد این بار بخش قابل‌توجهی از نمادها همچنان با تقاضا مواجه بودند و حتی برخی از سهم‌هایی که طی هفته‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده بودند، نتوانستند صف‌های خرید خود را حفظ کنند. این موضوع نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران هنوز نسبت به چشم‌انداز میان‌مدت بازار خوش‌بین هستند و افت قیمت‌ها را فرصتی برای ورود به برخی نمادها تلقی می‌کنند. معاملات دیروز همچنین نشان داد، سرمایه‌گذاران میان صنایع مختلف تفاوت قابل‌شده‌اند. سهام شرکت‌هایی که از منظر فعالان بازار تأثیرپذیری کمتری از تحولات سیاسی و شرایط جنگی دارند، وضعیت بهتری را تجربه کردند. برخی صنایع دفاعی‌تر و شرکت‌هایی که درآمدهای پایدارتر یا وابستگی کمتری به متغیرهای سیاسی دارند نسبت به سایر گروه‌ها با فشار فروش کمتری مواجه شدند. این رفتار نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران برخلاف گذشته به‌صورت یکپارچه از بازار خارج نمی‌شوند و در حال ارزیابی مجدد ریسک صنایع مختلف هستند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز، خروج گسترده پول حقیقی از بازار بود. در پایان دادوستدها بیش از ۶ هزار و ۹۲۹ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد؛ رقمی که از افزایش نگرانی سرمایه‌گذاران خرد نسبت به آینده کوتاه‌مدت بازار حکایت دارد. در چنین شرایطی معمولاً سرمایه‌گذاران حقیقی ترجیح می‌دهند، بخشی از دارایی‌های خود را نقد کرده و تا روشن‌تر شدن وضعیت سیاسی و اقتصادی در حاشیه بازار بایستند. آمار سرانه معاملات نیز این موضوع را تأیید می‌کند. سرانه خرید حقیقی‌ها در معاملات دیروز ۹۸۲ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۱۶۱۶ میلیون تومان ثبت شد. بر این اساس نسبت قدرت فروشندگان به خریداران حقیقی به سطح منفی ۱٫۶۵ رسید که نشان‌دهنده برتری قابل‌توجه فروشندگان در جریان معاملات روز جاری است. با وجود افت شاخص‌ها و خروج نقدینگی حقیقی، ارزش معاملات خرد همچنان در سطوح بسیار بالایی قرار داشت. دیروز بیش از ۳۷ هزار و ۳۳۹ میلیارد تومان معامله در بازار سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی انجام شد که رکورد تاریخی جدیدی برای ارزش معاملات خرد محسوب می‌شود. همچنین حجم معاملات به حدود ۵۶ میلیارد برگه سهم رسید که از تداوم تحرک بالای معامله‌گران در بازار حکایت دارد. ثبت چنین ارزش معاملاتی در روزی که بازار با فشار فروش مواجه بوده از دو واقعیت مهم پرده برمی‌دارد. نخست آنکه بخشی از سهامداران پس از رشد قابل‌توجه هفته‌های گذشته، اقدام به شناسایی سود کرده‌اند و دوم اینکه در مقابل، گروه دیگری از سرمایه‌گذاران افت قیمت‌ها را فرصتی برای خرید ارزیابی کرده‌اند. به همین دلیل اگرچه جهت کلی بازار نزولی بود اما حجم بالای دادوستدها مانع از قفل شدن کامل معاملات در صف‌های فروش شد.

مقصر تراشی!

چرا مخالفان دولت تلاش می‌کنند با روایت کذب، رئیس‌جمهور را مسئول بحران‌های اقتصادی نشان دهند؟



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

این روزها مسعود پزشکیان بیش از هر زمان دیگری در معرض انتقادهای صریح از سوی طیف‌های مختلف قرار گرفته است. مدافعان، دولت چهاردهم را در پیگیری مطالبات جامعه رأی‌دهنده پیگیر و با انگیزه نمی‌دانند و منتقدان هم دولت او را ضعیف و ناکارآمد قلمداد می‌کنند.

افزایش نرخ تورم، رشد قیمت کالاها اساسی، نوسان‌های بازار ارز، کاهش قدرت خرید خانوارها و تداوم نااطمینانی در فضای کسب‌وکار، مهم‌ترین محورهایی هستند که منتقدان دولت بر آنها تمرکز کرده‌اند. در شرایطی که دولت تلاش می‌کند، بخشی از مشکلات اقتصادی را ناشی از تحولات منطقه‌ای، تنش‌های ژئوپلیتیک، آثار جنگ و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها معرفی کند، منتقدان بر این باورند که ریشه اصلی بحران‌های کنونی را باید در ضعف مدیریت اقتصادی و ناتوانی دولت در کنترل متغیرهای کلان جست‌وجو کرد. همین اختلاف نگاه موجب شده که طی ماه‌های اخیر جدال سیاسی و رسانه‌ای گسترده‌ای پیرامون عملکرد اقتصادی دولت شکل گیرد.

بخش قابل‌توجهی از منتقدان دولت را چهره‌های نزدیک به دولت سیزدهم، فعالان اصولگرا، برخی اقتصاددانان منتقد و گروهی از فعالان بازار سرمایه تشکیل می‌دهند. این طیف معتقد است، دولت پزشکیان در مدیریت اقتصاد کشور فاقد برنامه‌ای روشن و منسجم بوده و نتوانسته انتظارات تئوری را کنترل کند. آنها می‌گویند، افزایش قیمت‌ها و تداوم فشار بر معیشت مردم بیش از آنکه ناشی از عوامل بیرونی باشد، نتیجه ضعف در سیاست‌گذاری اقتصادی، ناهماهنگی در تیم اقتصادی دولت و تأخیر در تصمیم‌گیری‌های کلان است. از نگاه این منتقدان، دولت درحالی مشکلات را به جنگ و تحریم نسبت می‌دهد که بسیاری از کشورها در شرایط بحران‌های امنیتی و حتی جنگی توانسته‌اند با مدیریت کارآمد، آثار اقتصادی بحران را کنترل کنند. در همین چارچوب، برخی چهره‌های نزدیک به دولت پیشین نیز حملات تندی را متوجه رئیس‌جمهور کرده‌اند. علی‌ناری، مدیرعامل خبرگزاری ایرنا در دولت قبل، در انتقاد از مواضع دولت نوشته است: «واقعاً جالب است؛ بدهکار بر صندلی طلبکار نشسته است». این جمله در واقع بازتاب‌دهنده نگاه بخشی از منتقدان است که معتقدند، دولت به‌جای پذیرش مسئولیت وضعیت اقتصادی تلاش می‌کند، مشکلات را به عوامل بیرونی یا عملکرد دولت‌های گذشته نسبت دهد. در سوی دیگر مهدی رباطی، از فعالان اصولگرای بازار سرمایه، نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است: «این را همیشه گوشه ذهن خود داشته باشید؛ ایران به اندازه یک قاره منابع دارد.

جنگ، تحریم و سایر مشکلات همگی بهانه‌ای برای پوشاندن سوء مدیریت هستند. حتی در همین شرایط جنگ و تحریم، اگر مدیری کارآمد بر رأس امور باشد و فساد را مهار کند، ایران می‌تواند هم به یک ابرقدرت سیاسی و هم به یک ابرقدرت اقتصادی تبدیل شود. اما امان از سوء مدیریت، خیانت و فساد». چنین اظهاراتی نشان می‌دهد که بخش مهمی از منتقدان، جنگ و تحریم را عامل اصلی مشکلات

اقتصادی نمی‌دانند و سهم تعیین‌کننده برای کیفیت حکمرانی اقتصادی قائل هستند. فعالان بازار سرمایه نیز در زمره منتقدان جدی دولت قرار دارند. آنها معتقدند، دولت هنوز نتوانسته اعتماد سرمایه‌گذاران را به شکل کامل جلب کند و سیاست‌های اقتصادی آن از شفافیت کافی برخوردار نیست. از نگاه این گروه نااطمینانی نسبت به آینده اقتصاد، سرمایه‌ها را از بخش‌های مولد دور کرده و به سمت بازارهای سفته‌بازانه سوق داده است.

نتیجه این روند افزایش فشار بر بازار ارز و در نهایت تشدید تورم بوده است. برخی اقتصاددانان نیز بر این باورند که دولت در ماه‌های گذشته نتوانسته تصویر روشنی از مسیر اقتصادی خود ارائه کند و همین موضوع باعث شده، انتظارات تورمی در جامعه کاهش پیدا نکند. با این حال، حامیان دولت روایت متفاوتی از شرایط موجود ارائه می‌کنند. آنها معتقدند، ارزیابی عملکرد دولت بدون در نظر گرفتن شرایطی که اقتصاد ایران در آن قرار دارد، نمی‌تواند تصویری دقیق از واقعیت ارائه دهد. از نگاه آنان، دولت پزشکیان در شرایطی زمام امور را در دست گرفت که اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری و مزمن مواجه بود که طی سال‌های طولانی شکل گرفته و انباشته شده‌اند.

کسری بودجه مزمن، ناترازی نظام بانکی، بدهی‌های انباشته دولت، کاهش سرمایه‌گذاری، فرسودگی زیرساخت‌ها، بحران انرژی، تورم مزمن و زمین‌گیر شدن اقتصاد از جمله چالش‌هایی هستند که پیش از آغاز به کار دولت چهاردهم نیز وجود داشتند. مدافعان دولت همچنین تأکید می‌کنند که تحولات منطقه‌ای و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک تأثیر مستقیمی بر اقتصاد ایران گذاشته است. آنها معتقدند، افزایش ریسک‌های سیاسی و امنیتی هزینه مبادلات خارجی را افزایش داده، دسترسی به منابع مالی را دشوارتر کرده و فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد آورده است. از این منظر بخشی از افزایش قیمت‌ها و رشد تورم را نمی‌توان صرفاً به سیاست‌های دولت نسبت داد. مسئولان دولتی بارها تأکید کرده‌اند که شرایط جنگی و نااطمینانی ناشی از آن به شکل مستقیم بر رفتار فعالان اقتصادی و انتظارات تورمی اثر گذاشته است.

واقعیت اما احتمالاً در نقطه‌ای میان این دو نزاع سیاسی قرار دارد. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که جنگ‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیک معمولاً از طریق افزایش نااطمینانی، کاهش سرمایه‌گذاری، فشار بر بازار ارز و اختلال در تجارت خارجی به رشد تورم منجر می‌شوند. بنابراین نمی‌توان تأثیر این عوامل را بر اقتصاد ایران نادیده گرفت. اما در عین حال تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی اقتصادی، نحوه مدیریت بحران و سرعت واکنش دولت‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش یا افزایش آثار این شوک‌ها دارد. به عبارت دیگر جنگ و تحریم می‌توانند، زمینه‌ساز فشارهای تورمی باشند اما نحوه مدیریت این شرایط تعیین می‌کند که شدت این فشارها تا چه اندازه افزایش یابد. از این منظر، دولت پزشکیان را نمی‌توان مسئول شکل‌گیری همه بحران‌های اقتصادی کنونی دانست. بخش بزرگی از مشکلات فعلی اقتصاد ایران از تورم مزمن گرفته تا ناترازی انرژی، کاهش سرمایه‌گذاری و بحران نظام بانکی، محصول سال‌ها سیاست‌گذاری و انباشت چالش‌های ساختاری است.

هیچ دولتی در مدت چند ماه قادر به حل چنین مشکلاتی نیست. اما این گزاره به معنای رفع مسئولیت از دولت فعلی نیز نیست. نحوه مدیریت بازار ارز، سیاست‌های پولی و مالی، هماهنگی میان نهادهای اقتصادی، انتخاب مدیران، کیفیت ارتباط با افکار عمومی و سرعت تصمیم‌گیری، حوزه‌هایی هستند که عملکرد دولت مستقیماً بر آنها اثر می‌گذارد و می‌توان آنها را در ارزیابی کارنامه دولت لحاظ کرد. منتقدان معتقدند، دولت در برخی مقاطع نتوانسته تصمیمات سریع و قاطع اتخاذ کند و در نتیجه بخشی از انتقادات اقتصادی تشدید شده است. آنها همچنین بر این باورند که پیام‌های متناقض از سوی برخی مسئولان اقتصادی باعث افزایش نااطمینانی در بازار شده است.

در مقابل، حامیان دولت می‌گویند بسیاری از اصلاحات اقتصادی نیازمند اجماع سیاسی و اجتماعی است و اجرای شتاب‌زده آنها می‌تواند، هزینه‌های سنگینی بر معیشت مردم تحمیل کند. از نگاه این گروه، دولت تلاش کرده میان ضرورت اصلاحات اقتصادی و حفظ ثبات اجتماعی تعادل برقرار کند؛ تعادلی که دستیابی به آن در شرایط فعلی بسیار دشوار است. به هر حال قضاوت درباره عملکرد اقتصادی دولت پزشکیان نیازمند نگاهی فراتر از منازعات سیاسی روزمره است. نه می‌توان همه مشکلات موجود را به جنگ، تحریم و میراث دولت‌های گذشته نسبت داد و نه می‌توان تمام بحران‌های اقتصادی را نتیجه عملکرد دولت فعلی دانست. اقتصاد ایران تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار دارد که برخی از آنها خارج از کنترل دولت و برخی دیگر مستقیماً به کیفیت مدیریت و سیاست‌گذاری مرتبط هستند. از همین‌رو بخشی از انتقادهای مطرح شده علیه دولت دارای مبنای واقعی است به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مدیریت انتظارات تورمی، شفافیت سیاست‌های اقتصادی و سرعت تصمیم‌گیری. اما در مقابل، نادیده گرفتن نقش متغیرهای بیرونی، شرایط منطقه‌ای و مشکلات ساختاری اقتصاد نیز می‌تواند به تحلیل‌های یک‌جانبه و سیاسی منجر شود.

آنچه در نهایت موفقیت یا ناکامی دولت را مشخص خواهد کرد نه صرفاً وضعیت فعلی اقتصاد بلکه توانایی آن در مهار تورم، بازگرداندن ثبات به بازارها، افزایش اعتماد فعالان اقتصادی و ارائه چشم‌اندازی قابل‌پیش‌بینی برای شهروندان و سرمایه‌گذاران خواهد بود؛ معیاری که در ماه‌ها و سال‌های آینده امکان قضاوت دقیق‌تر درباره آن فراهم خواهد شد. انتقادهای اقتصادی به دولت پزشکیان عمدتاً بر افزایش تورم، نوسانات ارزی و کاهش قدرت خرید مردم متمرکز است و منتقدان این مشکلات را بیش از هر چیز ناشی از ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری اقتصادی می‌دانند. در مقابل، دولت و حامیانش تأکید دارند که بخش مهمی از این چالش‌ها ریشه در مشکلات ساختاری اقتصاد ایران، میراث دولت‌های گذشته همچنین آثار جنگ، تحریم و تنش‌های منطقه‌ای دارد. واقعیت آن است که هر دو عامل در شکل‌گیری وضعیت کنونی نقش داشته‌اند؛ نه می‌توان همه مشکلات را به شرایط بیرونی نسبت داد و نه تمام مسئولیت را متوجه دولت فعلی دانست. قضاوت نهایی درباره عملکرد دولت نیز به میزان موفقیت آن در مهار تورم، ایجاد ثبات اقتصادی و بهبود معیشت مردم در ماه‌ها و سال‌های آینده وابسته خواهد بود.



اینترنت قطع نمی‌شود

امنیت و اینترنت نباید مقابل هم قرار گیرند

گروه اجتماعی: اینترنت دیروز قطع نشد. به رغم اینکه برخی تصور می‌کردند با آغاز دور جدیدی از تنش‌های نظامی بین ایران و اسرائیل و وقوع دوباره جنگ، اینترنت قطع می‌شود. با این حال معاون رئیس جمهور می‌گوید نباید اینترنت و امنیت را مقابل هم قرار داد.

هزینه‌های اقتصادی زیرساخت اینترنت برای معیشت

عبدالکریم حسین‌زاده، معاون رئیس‌جمهور، با تأکید بر اینکه نباید امنیت و اقتصاد را در برابر یکدیگر قرار داد، خاطر نشان کرد که اینترنت در قرن بیست و یکم مانند آب، برق و جاده یک زیرساخت حیاتی برای توسعه است. او با اشاره به پیوند مستقیم اینترنت با سفره خانواده‌ها، به ویژه در بخش تولیدات کوچک و بوم‌گردی‌های روستایی، تأکید کرد که در طراحی هرگونه سیاست امنیتی باید راهکارهایی مدنظر قرار گیرد که کمترین آسیب ممکن به زندگی روزمره و معیشت مردم وارد شود.

مقاومت بدنه دولت در برابر مسدودسازی شبکه، ریشه در واقعیت‌های اقتصادی دارد که مستقیماً با معیشت جامعه در ارتباط است. طبق آمارهای رسمی، اشتغال حدود ۱۰ میلیون نفر در کشور به‌طور مستقیم به زیرساخت اینترنت وابسته است. بررسی‌های اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد که محدودیت‌های شبکه روزانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار خسارت مستقیم به همراه دارد که این رقم با احتساب خسارت‌های غیرمستقیم در زنجیره تأمین، تبلیغات و فریلنسینگ به ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار در روز می‌رسد. در جریان محدودیت‌های

ورزش بانوان

جنجال خواهران منصوری

در فدراسیون ووشو چه رخ داد؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

ورزش قهرمانی ایران بار دیگر با جنجالی بی‌سابقه که خواهران ووشوکار منصوریان در کانون حواشی آن قرار دارند شاهد صحنه‌هایی تأمل‌برانگیز بوده است. فدراسیون ووشو صبح دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۵ به موجب آنچه حمله خواهران منصوریان خوانده شده به صحنه درگیری، تخریب اموال عمومی و اقدامات خارج از عرف تبدیل شد. این اتفاقات جنجالی که پس از پایان مرحله دوم رقابت‌های انتخابی تیم ملی ووشو ساندا زنان رخ داد، بار دیگر نام خواهران منصوریان را در کانون حواشی مرتبط با این رشته ورزشی و کل ورزش کشور بر سر زبان‌ها انداخت؛ رویدادی که به سرعت به یک پرونده ملی تبدیل شده و درباره مدیریت، انضباط و مناسبات قدرت در ورزش قهرمانی ایران، پرسش‌هایی تازه ایجاد کرده است.

جرعه درگیری در میدان انتخابی ناگویا

بر اساس مصوبات هیأت‌رئیسه فدراسیون ووشو، تمامی ورزشکاران مدعی برای حضور در ترکیب بازی‌های آسیایی ناگویا ۲۰۲۶ ملزم به شرکت در مسابقات انتخابی رودرو هستند؛ قانونی عمومی که حتی پرافتخارترین قهرمانان کشور نظیر محسن محمدسیفی نیز با وجود داشتن چندین مدال طلا از آن تمکین کرده‌اند. در جریان این رقابت‌ها، سهیلا منصوریان در مسابقات انتخابی وزن خود به مصاف پدیده جوان و ملی‌پوش ووشو، دیانا رحیمی رفت. این مبارزه با شکست قاطع و فنی سهیلا منصوریان با نتایج ۸ بر ۲ و ۹ بر ۳ به پایان رسید تا وی رسماً شانس حضور در ترکیب نهایی تیم ملی را از دست بدهد. اما جرعه اصلی اتفاقات روز دوشنبه واکتس خواهران منصوریان به این شکست فنی بود که فراتر از چارچوب‌های پذیرفته شده ورزشی رقم خورد.

بنا به روایت رسانه‌ها و گزارش‌های رسمی، بلافاصله پس از اعلام نتیجه، الهه و شهریانو منصوریان با فریاد و ایجاد هیاهو وارد ساختمان فدراسیون شدند. فدراسیون ووشو در

گذشته، کسب‌وکارهای آنلاین بزرگ مجبور به تعدیل نیروی بخشی از کارکنان خود شدند و فروش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیز بین ۴۰ تا ۷۰ درصد افت کرد یا به تعطیلی کامل آنها منجر شد.

ابهام در اثربخشی امنیتی و هشدارهای کارشناسی

علاوه بر چالش‌های معیشتی، کارآمدی سیاست قطع شبکه از منظر امنیتی نیز از سوی مقامات ارشد فناوری کشور مورد نقد قرار گرفته است. حسین افشین، معاون علمی رئیس‌جمهور، صراحتاً اعلام کرده که مسدودسازی اینترنت حتی در شرایط جنگی راهکار درستی نیست چراکه تجربیات گذشته نشان داد حتی در زمان قطع کامل شبکه نیز اقدامات مخرب و ترورها متوقف نشد. این دیدگاه با گزارش فنی مرکز فرماندهی عملیات امنیت سایبری (مرکز ملی فضای مجازی) همخوانی دارد؛ این مرکز در بیانیه‌ای رسمی تأیید کرده که قطع اینترنت تأثیر معناداری بر خنثی‌سازی حملات سایبری پیشرفته ندارد.

از سوی دیگر، کارشناسان امنیت شبکه هشدار می‌دهند که قطع ارتباط دسترسی کاربران، پیامدهای امنیتی منفی برای خود زیرساخت‌ها به همراه دارد. آرین اقبال، کارشناس این حوزه، تشریح می‌کند که اعمال محدودیت بر اینترنت بین‌الملل مانع از دریافت به‌روزرسانی‌های امنیتی روی میلیون‌ها دستگاه، سرور و تجهیزات شرکت‌ها می‌شود. انباشته شدن این نقص‌های فنی، فضا را برای حملات هدفمند یا گسترده هکرها هموارتر کرده و همزمان توان تشخیص و واکنش سریع



تیم‌های فنی را کاهش می‌دهد.

تقابل دیدگاه‌های سیاسی درباره آینده شبکه

جلیلی با تشبیه پلتفرم‌های خارجی به تسلیحات نظامی نمود داشت با انتقاد تحلیلی‌گرانی مانند حسام‌الدین آشنا مواجه شده است. آشنا تحذیر داده که تشبیه ابزارهای ارتباطی به سلاح، سیاستگذاری کشور را به بن‌بست می‌کشاند زیرا هیچ نظام تصمیم‌گیری عاقلی کل یک زیرساخت عمومی را به دلیل سوءاستفاده دشمن مسدود نمی‌کند.

پایداری مشروط فنی

بررسی رادارهای پایش وضعیت شبکه از جمله داده‌های IODA و OONI نشان می‌دهد که به‌رغم وجود نوسان و افت ۴ درصدی در شاخص اکتیویراب در ساعات گذشته، اتصال کلی کشور به شبکه بین‌الملل برقرار است و نشانه‌ای از قطع سراسری وجود ندارد. به گفته کارشناسان، نوسانات موجود می‌تواند ناشی از محدودیت دسترسی دیتاسنترها یا افزایش حجم مراجعه کاربران به ابزارهای عبور از فیلترینگ جهت پیگیری اخبار باشد.

سلامت

دارو در مرز کمبود و تأمین

۱۸ درصد داروهای کشور در خانه‌ها دپو شده است

رئیس سازمان غذا و دارو با هشدار نسبت به نگهداری گسترده دارو در منازل از ورود محموله‌های جدید داروهای بیماران خاص و پیوندی خبر داد و بر اصلاح الگوی مصرف دارو تأکید کرد. مهدی پیرصالحی اعلام کرد که حدود ۱۸ درصد از کل بازار دارویی کشور در منازل نگهداری می‌شود؛ موضوعی که به گفته او علاوه بر هدررفت منابع، امکان بازگشت این داروها به چرخه توزیع رسمی را نیز از بین می‌برد. او با اشاره به آخرین وضعیت تأمین دارو و تجهیزات پزشکی کشور گفت، تأمین دارو به‌صورت مستمر از سوی وزارت بهداشت و مسئولان ارشد دولت پیگیری می‌شود و گزارش‌های این حوزه به‌طور روزانه در سطوح مختلف مدیریتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد که دارو به دلیل ماهیت حیاتی خود نیازمند تأمین پایدار و بدون وقفه است و همه دستگاه‌های اجرایی برای حفظ این روند همکاری می‌کنند.

به گفته رئیس سازمان غذا و دارو، کمیته‌های تخصصی متعددی با حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف از جمله بانک مرکزی، گسرک و وزارت راه مسئول رصد وضعیت تأمین دارو هستند. در کنار این اقدامات، برنامه‌هایی نیز برای مدیریت مصرف دارو در دستور کار قرار گرفته است.

پیرصالحی مصرف بالای آنتی‌بیوتیک‌ها و سرم‌های تزریقی را از چالش‌های مهم نظام سلامت دانست و گفت در بسیاری از موارد، بیماری‌های شایع مانند سرماخوردگی نیازی به مصرف آنتی‌بیوتیک یا تزریق سرم ندارند. به گفته وی، ادامه این روند می‌تواند به افزایش مقاومت میکروبی و تحمیل هزینه‌های بیشتر به نظام سلامت منجر شود.

وی همچنین درباره وضعیت داروهای بیماران خاص و پیوندی اظهار کرد، این داروها از طریق مراکز مشخص و تحت نظارت توزیع می‌شوند و اگرچه ممکن است در برخی مقاطع محدودیت‌های موقتی ایجاد شود اما محموله‌های جدید در حال ورود به کشور است. رئیس سازمان غذا و دارو تأکید کرد که تأمین این داروها در اولویت قرار دارد و تلاش می‌شود دسترسی بیماران به اقلام حیاتی بدون وقفه ادامه یابد.

تهدیدهای کلامی و فیزیکی قرار گرفته بودند، گزارش‌های خود را به مراجع ذی‌ربط ارسال کرده‌اند تا ابعاد حقوقی این ادعاها روشن شود.

بازخوانی یک کارنامه

اتفاقات آکادمی ملی ووشو، حادثه‌ای منحصر به‌فرد و غیرمنتظره محسوب نمی‌شود چراکه پیش از این نیز سوابقی از الگوهای رفتاری مبتنی بر سهم‌خواهی و عدم تمکین به مقررات در ارتباط با این خواهران ورزشکار ثبت شده است. در سال ۱۳۹۹ اتهام‌زنی گسترده رسانه‌ای علیه ارکان فدراسیون و شکایت مریم هاشمی پیرامون مسائل محرومیت دوپینگ منجر به صدور رای محرومیت انضباطی طولانی‌مدت برای شهریانو و سهیلا منصوریان شد. همچنین در تیرماه سال ۱۴۰۱ و در جریان مسابقات انتخابی تیم ملی جوانان دختر، حاشیه‌ای جنجالی رقم خورد. در آن مسابقات پس از اعتراض پدر یکی از ورزشکاران به داوری‌ها، شهریانو و سهیلا منصوریان به جای کنترل فضا به‌عنوان کادر فنی شخصاً وارد معرکه شده و با پدر این ورزشکار درگیری فیزیکی شدیدی پیدا کردند که ویدیوهای زد و خورد آن‌ها در سالن تمرین، بازتاب‌های منفی گسترده‌ای در افکار عمومی داشت. بر اساس بیانیه فدراسیون شهریانو و سهیلا منصوریان پیش از حادثه اخیر نیز با رأی کمیته‌های استیناف و انضباطی از حضور در اماکن ووشو محروم بوده و ورود او به محل مسابقات اساساً غیرقانونی بوده است.

ضرورت ورود مراجع قضایی و پایان مصونیت‌های ورزشی

پرونده اخیر اگرچه هنوز در لایه‌های از ابهام و روایت‌های متناقض قرار دارد اما رسانه‌های رسمی کشور و کارشناسان ورزشی یک پرسش کلیدی را مطرح کرده‌اند: مماشات با رفتارهای ساختارشکنانه تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ کسب مدال‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته نباید به حاشیه امنی برای قانون‌گریزی و رفتارهای خارج از عرف در محیط‌های اداری و ورزشی تبدیل شود. فدراسیون ووشو اعلام کرده که حق هرگونه اقدام قانونی و قضایی در محاکم دادگستری را برای خود محفوظ می‌داند. با توجه به ابعاد آسیب به اموال عمومی، تهدید مقامات ورزشی و ایجاد جنجال در یک نهاد ملی به نظر می‌رسد این بار فراتر از کمیته‌های انضباطی داخلی، ورود جدی و قاطع مراجع قضایی و دادگستری برای بررسی دقیق ادعاها، رویه مستندات حراستی و برخورد با عاملان این بحران، تنها راه حفظ انضباط و صیانت از ساحت ورزش قهرمانی کشور باشد.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتاعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرن‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰

ادامه یادداشت روز

سرکوب دموکرات‌های تونس

این احکام ظالمانه علیه فعالان سیاسی و مدنی مسالمت‌جو در تونس ازجمله راشد الغنوشی درحالی است که این متفکر برجسته قبلاً نیز سال‌های مدیدی را در زندان و تبعید گذرانده است. الغنوشی در سال ۱۹۸۱ به ۱۱ سال زندان محکوم شد. اما با روی کار آمدن بن‌علی در سال ۱۹۸۷ از زندان آزاد شد. وی در سال ۱۹۹۲ دوباره زندانی شد سپس به الجزایر و سوئد منتقل و بعد به لندن انگلستان تبعید گردید. دوران تبعید در انگلیس، فرصت بزرگی برای بازنگری او در اندیشه‌هایش بود. پس از شروع اعتراضات مردمی در تونس که به آغاز جنبش معروف به بهار عربی تبدیل شد، الغنوشی رهبر حزب اسلام‌گرای انفضیه تونس پس از ۲۰ سال به کشورش بازگشت. وی در سال ۲۰۱۲ به‌عنوان یکی از ۱۰۰ فرد تأثیرگذار تایم معرفی شد و در سال ۲۰۱۶ جایزه جنرال‌ال باجاج را برای «ترویج ارزش‌های گاندی در خاراج از هند» دریافت کرد. الغنوشی در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ به‌عنوان رئیس مجلس نمایندگان مردم انتخاب شد.

در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۹ قیس سعید به‌عنوان یک استاد حقوق گمنام و مستقل نامزد شد و گروه‌های مختلف با سلیق متفاوت ازجمله تشکیلات انفضیه که الغنوشی رهبر آن بود به دلیل دیدگاه‌های ابراز شده قیس علیه صهیونیسم از وی حمایت کردند اما وقتی قیس در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹ به‌عنوان پنجمین رئیس‌جمهور تونس انتخاب شد و به قدرت رسید، منتقدین در مطبوعات را تحت تعقیب قرار

داد، پارلمان را منحل کرد و با شعارهای پوپولیستی اقدام به حذف چهره‌های مؤثر کرد. (این مورد شباهت زیادی به انتخاب احمدی‌نژاد در ایران دارد). قیس سعید اکنون بیش از همه، از سوی امارات متحده عربی حمایت می‌شود که دنبال خاموش کردن جریان اسلام‌گرایی پارلمانی و دموکراتیک هستند زیرا رشد این جریان را برای حکومت شیوخ منطقه خطرناک می‌دانند.

راشد الغنوشی از متفکران برجسته و دموکرات در جهان اسلام و مدافع جدی حقوق بشر و حقوق شهروندی است. او با شخصیت‌های ایرانی مانند دکتر ابراهیم یزدی دوستی نزدیکی داشت. چهره‌های میانه‌رو در ایران با او احساس نزدیکی داشتند، چنانکه سیدهادی خسروشاهی کتاب «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی» را درباره او نوشت. از الغنوشی کتاب‌های متعددی منتشر شده مانند: طریقنا الی الحضاره (راه ما به سوی تمدن)، نحن و الغرب (ما و غرب)، حق الاختلاف و واجب وحده (تفاوت‌های حق و لزوم ایجاد وحدت)، القضیه الفلسطینیه فی مفترق الطرق (مسئله فلسطین در میان چندراهی)، المرأه بین القرآن و واقع المسلمین (زن در قرآن و جامعه مسلمین)، حقوق المواطنه فی الدوله الاسلامیه (فوق شهروندی در حکومت اسلامی)، القدر عند ابی تمیبه (قدر نزد ابی تمیبه)، مقاریات فی العلمانیه و المجتمع المدنی (رویکرد سکولاریسم و جامعه مدنی)، الحركه الاسلامیه و مسئله التغبیر (حرکت اسلامی و مسئله

تغییر)، من تجربه الحركه الاسلامیه فی تونس (تجربیات حرکت اسلامی در تونس).

برخی از کتاب‌های او به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی ترجمه شده‌اند. ازجمله کتاب‌های ترجمه شده به فارسی «مسئله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم» و «بیدارشناسی انقلاب تونس» با ترجمه آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی و کتاب «حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام». الغنوشی در آغاز انقلاب ایران در ۱۳۵۷ از مدافعان آن بود. وی البته ضمن حفظ احترام نسبت به آیت‌الله خمینی و علاقه‌مندی به او، به نقد دیدگاه وی درباره ولایت فقیه پرداخت، ازجمله در کتاب الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه که با عنوان «آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی» به قلم حسین صابری به فارسی ترجمه شده است. او در این کتاب حکومت اسلامی را مبتنی بر حقوق شهروندی و دموکراتیک می‌داند.

الغنوشی گرچه از متفکران اهل سنت و نزدیک به جریان نوگرای اخوان‌المسلمین ترکیه بود اما در دوره ریاست در پارلمان تونس، اعلام کرد از اخوان‌المسلمین هم کناره گرفته است. او نه تنها در زمان آزادی‌اش در جهت وفاق ملی در تونس حرکت می‌کرد حتی در دوره زندان هم الغنوشی و دوستانش، هیچ اقدامی علیه حکومت انجام ندادند بلکه با بروز برخی از تنش‌ها و درگیری‌ها، الغنوشی خواستار توقف خشونت‌ها و اختلافات شد و یک بار هم در حمایت از حقوق

یک زندانی سکولار اعتصاب کرد. بدون شک، اتهامات وارده علیه او و همراهانش، دسیسه سیاسی برای حذف اسلام‌گرایی دموکراتیک و پارلمان‌تاریستی است زیرا تونس دروازه میان غرب و جهان اسلام است و حتی حکومتی دموکرات که ضامن منافع غرب نباشد، کافی نیست و از سلطه حکومتی حمایت می‌شود که مطلوب آنها باشد. به همین دلیل درحالی که نسبت به کوچک‌ترین مورد نقض حقوق بشر در برخی از کشورها، کارزار راه می‌اندازند اما نسبت به رفتار مستبدانه و ضدانسانی با الغنوشی و یارانش سکوت کرده‌اند. فقط سازمان ملل متحد در گزارشی رسمی، بازداشت «راشد الغنوشی»، رئیس منتخب پارلمان منحل شده تونس را «خودسرانه» توصیف کرد و خواستار آزادی بدون قید و شرط او شد. حکومت تونس باید تمام پرونده و دفاعیات متهمان و وکلای آنها را برای قضاوت افکار عمومی منتشر کند و هر چه زودتر به استبداد قضایی و سیاسی پایان دهد. انتشار عمومی پرونده‌ها مطابق قانون و اسناد حقوق بشر است و خودداری از انتشار آن، کاری است که حکومت‌های استبدادی در دیگر کشورهای جهان انجام می‌دهند. در صورت خودداری از آزادی این زندانیان سیاسی، فعالان حقوق بشر باید کارزار جهانی علیه دولت تونس راه‌اندازی کنند. وجود زندانیان سیاسی و حبس افرادی که در چارچوب قانون و بدون خشونت فعالیت می‌کنند در هر کشوری، نشانه پالیسی یک ناهنجاری و بحران مشروعیت است.

شناسه آگهی ۲۲۰۰۱۱



وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

((آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای))

شماره: ۴/ فنی / ۱۴۰۵



– موضوع مناقصه: تعمیرات اساسی ۱۰ دستگاه دیزل ژنراتور در مجتمع بندری شهید رجایی و شهرک های شهید رجایی و شهید باهنر
– مهلت و نحوه دریافت اسناد:
مقتضیان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ ساعت ۱۴:۰۰ به مراجع به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت(خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.
* ضمناً دریافت آگهی از سایتهای www.shahidrajaeepor.pmo.ir - www.iets.pmporg.ir نیز امکان پذیر و رایگان می باشد.
– مهلت و محل تسلیم پاکت و بارگذاری اسناد:
مقتضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.

تصیه: ۱- مقتضیان مکلفند علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سایت مذکور نسبت به تحویل فیزیکی صرفاً پاکت الف محتوی ضمانتنامه شرکت در مناقصه حداکثر تا مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ ساعت ۱۲:۰۰ به دبیرخانه مرکزی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان – مجتمع بندری شهیدرجایی – ساختمان خدمات بندری، اقدام نمایند.

تصیه ۲: کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه مذکور پیشنهاد ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمی گردد.

– تضمین شرکت در مناقصه: مناقصه گران می بایست ضمانتنامه بانکی بدون قید و شرط و قابل تمدید به دفعات یا اصل فیش واریز وجه به حساب شماره ۱۴۰۱۰۶۴۵۷۱۲۱۴۸۵۳ بنام تنخواه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۳۰۰۲۸۶۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه متقاضی نسبت به ششدانگ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۰۷ متر مربع از پلاک ثبتی قطعه ۶ پلاک ۵۳۸ فرعی از ۳۰ اصلی واقع در بخش ۱۴ به استناد گزارش وارده شماره ۱۴۰۴/۴/۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ کارشناس هیات و گواهی تبصره ۹ ماده ۱۰ قانون الزام و همچنین نامه شماره ۱۲۷/۱۴۰۳/۱۵۷۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان در اجرای بند ت ماده یک قانون تعیین تکلیف تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد. لذا مالکیت آقای ناصر سجانی فرد به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۴۳۲۳۸۶۸۹۹۵ صادره شریفیه فرزند محمد کاظم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۰۷ متر مربع پلاک شماره ۳۰ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۷۸۵۷۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹

سهراب نوروزی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز
از طرف مصطفی کلهروی شاد

برابر رای شمار ۱۳۸۶-۱۴۰۰-۳۱۶۰-۱۴۰۰۲۱۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهروز کریمی فرزند معصوم یک به شماره ملی ۳۳۵۴۲۰۸۵ در یک قطعه باغچه به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۴ الی ۲۸ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش سه حومه فریه عمرعل خریداری از مالک رسمی آقای معینی عمرعلی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۶۶۹

شهریار خدیری – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

برابر رای شماره ۱۳۸۶-۱۴۰۰-۳۱۶۰-۱۴۰۰۲۱۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم بهمن اسمرفانی به شماره ملی ۳۳۵۱۲۴۹۳۴ و ۳۳۵۱۲۴۴۶۵۸ مورخ ۲۲/۰۳/۱۴۰۵ هر یک با قدر السهم سه دانگ شاع ساختمان به مساحت ۱۷۵/۱ مترمربع پلاک باقی ۱۵ فرعی از ۱۲۰ اصلی بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی شاعی فخرالاحق ربیع محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

برابر رای شماره ۱۳۸۶-۱۴۰۰-۳۱۶۰-۱۴۰۰۲۱۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم بهمن محمدی فرزند محمد بشاره شناسنامه ۴۱۶ شماره از سفر سینی برحدوسند ششدانگ یکپلاک ساختمان به مساحت ۱۷۵/۱ مترمربع پلاک باقی ۱۵ فرعی از ۱۲۰ اصلی بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی شاعی فخرالاحق ربیع محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۶۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

برابر رای شماره ۱۳۸۶-۱۴۰۰-۳۱۶۰-۱۴۰۰۲۱۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمد حق فرزند محملمی بشاره شناسنامه ۹۱۵ شماره از کرمانشاه سینی برحدوسند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲/ ۸۹۴۵ مترمربع پلاک ۲۳۳ اصلی روستای خزان بیلاور بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی شاعی محملمی حق محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

اداره ارتباطات و اطلاع رسانی بنادر و دریانوردی هرمزگان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۸۶-۱۴۰۰-۳۱۶۰-۱۴۰۰۲۱۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمد حق فرزند محملمی بشاره شناسنامه ۹۱۵ شماره از کرمانشاه سینی برحدوسند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲/ ۸۹۴۵ مترمربع پلاک ۲۳۳ اصلی روستای خزان بیلاور بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی شاعی محملمی حق محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶